

گرامی باد ۲۲ بهمن
نخستین سالروز قیام
خلق قهرمان ایران



گرامی باد ۱۹ بهمن
حماسه سیاهگل
زاد روز فدائیان خلق

چهارشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۲۵

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران

۱۲ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

بنا به اعتراف بازرگان :

شورای انقلاب از روابط میناچی با "سیا" اطلاع داشت

خلق کبیر ما چه خیانت‌های
بزرگی مرتکب شده‌اند.
اینک حتی ناآگاه‌ترین
افراد نیز به اعتراف
بقیه در صفحه ۳

ماون نخست وزیر و سیز
وزیر ارشاد ملی از مدت‌ها
پیش با حاسوسان "سیا" ارتباط
داشته و دست در دست
امپریالیسم امریکا علیه
کارگران و زمینکشان میهن ما
به هر خیانتی دست زده‌اند.
اینک همه می‌دانند که
این مهره‌های حقیر علیه

با افشای روابط وزیر ارشاد
ملی با سازمان حاسوسی "سیا"
مردم میهن ما گوشه جدیدی
از پیوندهای عمیق بازرگان و
شورای انقلاب را با امپریالیسم
امریکا به وضوح دیدند.
اینک همه می‌دانند که
سخنگوی دولت بازرگان و

جلسات پنهانی

بازرگان، مدنی

صباغیان و ...

علیه خلق ایران

در اجرای سیاست‌های
امپریالیسم امریکا، احزاب و
مخالف سرمایه‌داری می‌جاءند
حسبه واحدی تشکیل دهند.

مطابق آخرین اطلاع‌رسانی
به ما رسیده، سیمار مدنی،
مهدی بازرگان، صباغیان،
نماینده بهشتی و چند تن از
عناصر دیگری که کسب و
رسوایشان را بر سر هر کوی
و برون زده‌اند، احزاب و
پنهانی جلساتی تشکیل داده‌و
درصد آنند که حاکم
جدیدی علیه خلق‌های ایران
تشکیل دهند. آنها تصمیم
دارند نام اسلام را نیز به
روی حزب و یا حبه حسود
بقیه در صفحه

گرامی باد یاد دکتر تقی ارانی

یکی از درخشان‌ترین چهره‌های جنبش کمونیستی ایران،
دوست رنجبران و دشمن ترلز ناپدید امپریالیسم و سرمایه‌داری



دکتر تقی ارانی - متولد ۱۳۰۱
درگذشت ۱۲ بهمن ۱۳۵۸
۱۲ روز در زندان - نقاشی

سپاهیان سورید
رسالت من نواز آن‌گونه
است که مرگ نقطه پایانش
باشد چرا که مرگ در راه خلق
خود کمال رسالت ماست!

آنگاه که اسرار حروشیان
سال ما حرام به دست
کوچه‌های باغ و بوستان
را بر سر کوه‌های باغ و بوستان
رسول بر سر کوه‌های باغ و بوستان
سترگ جویس حاسوسان شهر
را به حروشیان باغ و بوستان
عین را به حروشیان باغ و بوستان
زمان سرود سپاه باغ و بوستان
آنگاه جنبش را از حاسوسان
سندای قامت خورشید بشانه
کند.

و آنگاه که سپاهیان، مرگ
را به تیغه شمشیر انبار کردند
فرزانه رسول ما، خورشید را
در حرام شوکران بنمود و سر

در این شماره:

افشای امریکائی باید ۲۴ ماهه بماند

شورای انقلاب،

دشمن "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"

در صفحه ۲

تیمسارهای جنایتکار ارتش

در مساجد به منبر می‌روند

در صفحه ۱۱

چرا بازرگان

و شرکاء را

دستگیر

و محاکمه

نمی‌کنند؟

در صفحه ۵

روزیکنشبه ۲۱ بهمن راهپیمائی قیام

راه‌رجه باشکوه‌تر برگزار کنیم

ساعت ۳ بعد از ظهر شروع: دانشگاه تهران

انتخابات مجلس عرصه نوینی از مبارزه طبقاتی ● دوستان خلق کیانند؟

تا چند روز دیگر انتخابات مجلس برگزار می‌شود.
انتخاب نمایندگان و تشکیل مجلس گامی دیگر در تکمیل
جمهوری اسلامی است.

شورای انقلاب و سایر دستجات و عناصر وابسته به
سرمایه‌داری کوشش دارند در میدان انتخابات و در مجلس
ابتکار عمل را در دست داشته باشند و حتی الامکان
انتخاباتی برگزار کنند که با دندان سرمایه‌داری وابسته
باشد و مجلسی تشکیل دهند که نه تنها "چوب لای حرج"
سرمایه‌داری وابسته نگذارد، بلکه در خدمت آن باشد. اعلام
دستجاتی که در تهران و سایر شهرهای بزرگ از جانب
شورای انقلاب و مشروط‌ساختن صلاحیت کاندیدای هر
منطقه به رضایت ۲۰ تن از "معتمدان" مورد اعتماد شورای
انقلاب در آن منطقه، نشان داد که لیبرال‌های درون شورای
انقلاب و بسیاری از دیگر دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی
تا چه حد مردم را با آنچه منافع خویش پنداشته‌اند.

پس گرفتن این تصویر نامه که از ترس اعتراض توده‌ها و
زیر فشار برخی از جناح‌های حاکم صورت گرفت و همچنین
تاخیر معرفی کاندیداهای جناح‌های حاکم به خوبی نشان
می‌دهد که طبقات مختلف در انتخابات مجلس شورا نیز
مثل انتخابات ریاست جمهوری در برابر هم صف‌آرایی
کرده و ما در روزهای آتی شاهد مبارزه نیروهای ضد
امپریالیست با لیبرال‌ها در انتخابات مجلس خواهیم بود
در روزهای آتی نیز همانند آنچه که در انتخابات
ریاست جمهوری شاهد بودیم، جریان‌های سیاسی حاکم
کوشش خواهند کرد با شعارهای خاص خود به میدان
انتخابات مجلس قدم گذارند و برای جلب توده‌های
وسیع تری از مردم و به دست آوردن آرای آنان تا آنجا که
می‌توانند برنامه خوش آب و رنگ تری عرضه کنند. به این
ترتیب توده‌های میلیونی مردم با دقت و حساسیت خاص
خود به صحنه انتخابات مجلس جلب خواهند شد. یکبار
دیگر عناصر و دستجات لیبرال، یعنی دوستان و حاسوسان
امپریالیسم در برابر نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست
صف‌آرایی خواهند کرد.

شرکت در انتخابات به مافروست می‌دهد که در افشای و
بقیه در صفحه ۲

سالروز قیام شکوهمند خلق‌های قهرمان ایران گرامی باد

گرامی باد ۲۲ بهمن
نخستین سالروز قیام خلق فهلمان ایران ★

انتخابات مجلس عرصه نوبنی از مبارزه ... بقه از صفحه ۱

چمران
ایستگاههای جاسوسی
امریکا را
دوباره بکار
انداخته است

دستگاههای تلکروبی سیم فوق العاده قوی HFISSB در هتل هیلتون به کار افتاده اند. کارشناسان سازمان "سیا" و عناصر تربیت شده آنها وسایل جاسوسی را در مکانهای امنی نصب کرده اند تا فعالیت شبکههای جاسوسی امپریالیسم آمریکا مختل نشود. از آنجمله دستگاههای مخابراتی بسیار قوی فوق است که از یکی از کارخانجات وابسته به صنایع دفاع ملی (صنایع نظامی سابق) توسط دوستان و جاسوسان امپریالیسم به هتل هیلتون منتقل شده و از آنجا مشغول ادامه فعالیتهای جاسوسی است.

این دستگاهها در هتل هیلتون زیر نظریکی از ابادی امپریالیسم به نام دولتشاهی مشغول کار است که با دادن رشوه به برخی از کارکنان هتل آنان را به همکاری واداشته است تا قضیه را مخفی نگهدارند.

در ماههای اخیر تعدادی از کارکنان صنایع دفاع پیگیرانه دنبال این قضیه هستند تا با انتقال این دستگاهها به کارخانجات صنایع دفاع از ادامه فعالیتهای جاسوسی امپریالیسم جلوگیری کنند اما آنها هرچه بیشتر تلاش می کنند، کمتر به نتیجه می رسند.

چمران وزیر دفاع سعی می کند کارکنان صنایع دفاع را دست به سرکند و ظاهرا قول می دهد که خودش در این مورد اقدام می کند. اما بدیهی است که این دستگاهها با اطلاع و حمایت خود او در هتل هیلتون به کار مشغولند.

آیت الله خاچه‌ای بعد از تماسهای مکرر کارکنان با او به آنها می گوید: "من خودم دستگاهها را تحویل می گیرم، شما بروید و نگران نباشید" اما او هیچ کاری انجام نمی دهد حتی یکبار هم از طرف وزارت دفاع به آنها می گویند که دستگاهها را جمع آوری کرده ایم اما پس از تحقیق کارکنان کارخانجات صنایع دفاع معلوم می شود که به آنها دروغ گفته اند.

دست کم آنها در ماههای گذشته، در صحنه مبارزات طبقاتی عملا جانب لیبرالها را گرفتارند.

اینک انتخابات مجلس در پیش روی ما است و ما چون گذشته همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را با اتحادی هرچه مستحکم تر دعوت می کنیم تا بر پایه سیاست واحد و گسترش همکاریهای عملی زمینه ایجاد جبهه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست فراهم گردد. هرگونه کوتاهی در این امر که ضرورت مبرم جنبش است به مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران آسیبهای جدی می رساند و تنها به سود طبقه سرمایه داران ایران و امپریالیسم آمریکا که اینک سیاست خود را از طریق مرتجعین لیبرال به پیش می برد، تمام می شود.

اگر نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست در سراسر ایران یک لیست مشترک برای انتخابات ارائه کنند، همانگونه که اشاره کردیم، مسلما این امر گامی است در جهت ایجاد جبهه نیروهای مترقی و ضدامپریالیست، طرد لیبرالها و سازشکاران و اعتدالی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهایمان.

ما این همکاری و همگامی را که بدون شک برای تحکیم صفوف خلقهای ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، سخت به سود مصالح جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک میهن می دانیم و از این رو است که از همه نیروهای راستین انقلابی و ضدامپریالیست می خواهیم در راه اینگونه همکاریها و در حال حاضر مشخصا در مورد انتخابات گامهایی بلند بردارند.

اکنون که از دوران انتخابات مجلس خیرگان ماهها می گذرد، مردم آگاه میهن ما، سازمانها و احزاب سیاسی ایران را کم یا بیش شناخته اند و فهمیده اند که کدام سازمان و کدام حزب از منافع کدام طبقات دفاع می کند مردم اینها را از روی سیاستهای آن احزاب و سازمانها دریافته اند.

امروز سیاستهای احزاب و محافل لیبرال و حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا از این سیاستها کاملاً آشکار شده است. در این گیر و دار نیروهای انقلابی تجاربی گرانبها کسب کرده اند. با توجه به همه این واقعیتها است که نیروهای انقلابی، نیروهایی که سابقه مبارزاتیشان گواه بر ماهیت انقلابیشان است، فرصت می یابند و می توانند با درس گرفتن از روزهای گذشته، سیاستهای خود را تصحیح کنند. باید دید نیروهای سیاسی مترقی تا چه حد از سیر پر خروش جنبش توده‌ای درس گرفته اند.

به هر حال چه مجاهدین خلق و سایر نیروهای مترقی و ضدامپریالیست از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران حمایت کنند، وجه آنها سیاست گذشته را ادامه دهند، سازمان ما از کاندیداهای ترقیخواه و ضدامپریالیست حمایت خواهد کرد، چرا که این حمایت را به سود جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهایمان می داند. ما با این کار خواهیم کوشید مشت خائنین به خلق یعنی محافل سرمایه داران لیبرال را بیش از پیش بازکنیم تا مردم جبهه دوستان واقعی خود را بیش از پیش بشناسند. به پیروی از این سیاست ما در هر حال به کاندیداهائی که عضو سازمان مجاهدین خلق باشند، رای می دهیم.

همچنین ما به کاندیداهائی که پیشبرد یک سیاست قاطع ضدامپریالیستی را دنبال می کنند و امروز مبارزه علیه سرمایه داران لیبرال را که مهم ترین پایگاه کنونی امپریالیسم در میهن ما به شمار می روند، عمده می دانند، رای خواهیم داد.

طرد لیبرالها و سازشکاران گامهای نوبنی برداریم و باز هم در جهت برجسته تر ساختن تمایزها و تفاوتهای این دو صف، آگاهی توده‌های میلیونی را ارتقاء دهیم و زمینه‌های نزدیکی اقشار و طبقات انقلابی و وحدت نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را تحکیم بخشیم. از همین رو است که فعلا در انتخابات شرکت می کنیم و همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را نیز به شرکت در این انتخابات فرا می خوانیم.

ما بر همگامی و همکاری نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست ملی - مذهبی با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تاکید داریم، این همکاری باید مرز بندی میان نیروهای انقلابی و نیروهای ضدانقلاب را مشخص تر سازد، در افشا و طرد لیبرالها و همه دستجات و محافل ضد انقلاب موثر افتد و زمینه ایجاد جبهه واحد نیروهای ضدامپریالیست و مترقی را بیش از پیش فراهم کند.

ما در گذشته نیز بر چنین همکاریهایی که زمینه وحدت نیروهای ترقیخواه را فراهم می کند، به ویژه با سازمان مجاهدین خلق ایران تاکید کرده ایم، ما در انتخابات مجلس خیرگان و انتخابات ریاست جمهوری با حمایت از کاندیدای سازمان مجاهدین خلق نمونه‌ای از تلاش در جهت ایجاد همبستگی هرچه بیشتر میان نیروهای ترقیخواه را ارائه دادیم و بر ضرورت آن پای فشردیم.

در آن زمان سازمان مجاهدین خلق ایران به جای استقبال از این همکاری و همگامی که بدون شک برای جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای میهن بیش از هر چیز ضروری است، اهمیت آن را نادیده گرفت و به جای ارائه لیستی مرکب از انقلابی ترین نیروهایی که تا پایان به آرمان و سنتهای انقلابی ۱۵ ساله مجاهدین خلق ایران وفادار بمانند، لیستی ارائه داد که به وضوح نشانه چرخش سازمان مجاهدین به راست بود. ترکیب کاندیداهای مجاهدین نشان می داد که آنها وحدت بالیبرالها را بر نزدیکی و همگامی با انقلابیون کمونیست ترجیح می دهند.

سازمانی که پس از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با میراثی خونبار و پرافتخار، مبارزترین نیروی انقلابی سالهای سیاه دیکتاتوری بود، سازمانی که بنیان گذارانش پس از تجربه تلخ سالها پیروی از نهضت آزادی، دیگر برای لیبرالها و سازشکاران پیشیزی ارزش قائل نبودند، در جریان انتخابات مجلس خیرگان لیبرالهای شسته و رفته را که هرگز از رژیم شاه نازک تر از گل نشنیدند، بر حشمت رئیسی کارگر مبارز صنعت نفت، کسی که در شکنجه گاههای شاه با پیکری غرقه به خون به آرمان خلق وفادار ماند، ترجیح دادند مجاهدین خلق ایران حای رقیه دانشگری را که یکی از نمونه‌های درخشان مبارزه و مقاومت، زنان میهن ماست با کسانی پر کردند که نه تنها کوچکترین سابقه مبارزاتی نداشتند، بلکه کوچکترین اعتماد سیاسی نیز به آنها وجود نداشت. مجاهدین در واقع نه تنها از انقلابی ترین نیروهای خلق حمایت نکردند، بلکه با پشتیبانی از عناصر لیبرال لیست کاندیداهای خود را در حوزه انتخاباتی تهران به حداکثر ممکن یعنی به ده نفر رساندند و عملا هواداران خود را از دادن رای به کاندیداهای فدائی بازداشتند. این سیاست که بدون تردید در جهت تقویت نیروهای لیبرال و تضعیف نیروهای انقلابی عمل می کرد، مشخصا گرایشی به راست بود که متأسفانه تا به امروز نیز در سیاست سازمان مجاهدین عمل کرده است.

بدون تردید مجاهدین آنگاه که با عواطف انقلابی خود تنهایی شوند، آنگاه که هنوز حسابهای طبقاتی در میان نیست، خود را به فدائیان خلق نزدیک می بینند، اما

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهایی که در راه ایرانی آزادی دمکراتیک مبارزه میکنند

(قسمت اول)

۲۹ روز تحصن مردم سنج

بیان آشکار اعتقاد خلق کرد به استقرار صلح عادلانه در کردستان بود

سخاقت کرد. از سوی دیگر سحنگیان دولتی و شوروی انقلاب هر روز در روزنامه‌ها و رادیو - تلویزیون علیه خلق کرد تبلیغ می‌کردند و با تحریف حقایق مربوط به کردستان سیاست تشدید بحران، ایجاد تفرقه و تشویق جنگ را به پیش می‌راندند.

تحصن و تعطیلی شهر ادامه داشت. حمایت و پشتیبانی نیرو بخش از سراسر ایران بالا می‌گرفت. اما هنوز شورای انقلاب، برای "حفظ امنیت" و "نظم شهر" نمی‌خواست پاسداران را از سنج بیرون بیاورد. هاشم صباغیان در مصاحبه ۱۷ دی گفت:

"سپاه پاسداران هرگز از سنج بیرون نخواهند رفت تا این که انتظامات قابل قبول دولت در شهر باشد. صباغیان تلاش می‌کرد تا بین خلق کرد و نمایندگان سپاه پاسداران تفاهت برقرار کند. به مردم مسلمانند. به عزالدین و قاسم و فدائیان و کومه تکپه‌دارند"

از سوی دیگر استاندار کردستان به خبرنگار کیهان ۱۵ دی - می‌گوید:

"به اعتقاد من باید به خواست برحق مردم کردستان توجه شود. با بالا گرفتن سیاست جنگ طلبی پاسداران، شورای انقلاب و هیئت ویژه شاه ویسی استاندار کردستان استعفا می‌دهد، لیکن با استعفاش موافقت نمی‌شود. ارتش دست به جابجایی نیرو می‌زند و در روز پنجشنبه ۲۲ دی یک ستون نظامی مرکب از ۱۵ تانک و چندین توب و خودروی نظامی به قصد سنج از کامیاران حرکت می‌کند که با مقاومت دلیرانه خلق کرد روبرو می‌شود.

حجت‌الاسلام کرمانی نماینده آیت‌الله خمینی در کردستان، در مصاحبه‌ای اظهار داشت که:

"بدبینی‌هایی نسبت به پاسداران، در مردم کردستان احداث کرده‌اند. او خروج پاسداران از منطقه کردستان را "فاجعه غیرقابل حیرانی" دانست که "به وقوع می‌پیوندد". آیت‌الله خمینه می‌داند که فاجعه غیرقابل حیران سرکوب خلق کرد و کشتار ریان و کودگان کردستان است. به خروج پاسداران؟ ادامه دارد

بفاق افکن از راه‌های مختلف در کار مذاکره اختلال به‌وجود می‌آوردند و به فضای صلح‌آمیز حل مسائل آسیب می‌رساندند. در بحبوحه مذاکرات، فرماندهان مزدور ارتش و پاسداران به جابجایی و تحمیل و سازوبرگ نظامی می‌پرداختند و در گوشه و کنار به تهدید و ارعاب خلق کرد و حتی در بعضی موارد به تیراندازی‌هایی که منجر به شهادت چند تن شد، مبادرت ورزیدند. خلق کرد در گوشه و کنار، با تحصن‌ها، راهپیمایی‌ها و اطلاعیه‌هایی، اعمال نفاق‌افکنانه و جنگ‌افروزانانه فرامدهان ارتش و پاسداران را محکوم کرد. اما حرکات ارتجاعی پاسداران و فرماندهان ارتش که فضای مذاکره را آلوده و متشنج و بر تشویق می‌ساخت هرروز دامنه‌ی وسیع‌تری به خود می‌گرفت. سرانجام مردم سنج تصمیم گرفتند برای مقابله با این اعمال در استانداری و مسجد جامع سنج متحصن شوند. از همان آغاز گروه‌های مختلف مردم از اطراف و اکناف کردستان با پشتیبانی‌های بی‌دریغ خود متحصنین سنج را یاری دادند و دامنه تحصن بزودی گسترده شد. معازنه‌ها، مدارس و ادارات تعطیل شدند. موج حمایت نیروهای انقلابی از گوشه و کنار کشور بالا گرفت. متحصنین خواستار این بودند که پاسداران از سنج بیرون روند تا آنها به تحصن خود پایان دهند و به سرکار خود بازگردند. مسئولان از همان شروع تحصن سعی می‌کردند که آن را کم‌اهمیت جلوه دهند. با وعده‌های نواختن از حل مسائل طفره می‌رفتند. پاسداران در برابر خواست هیئت نمایندگی خلق کرد مقاومت کرده و شروع به اشغال مواضع دیگری کردند. آنها رادیو - تلویزیون، کالج جوانان، باشگاه افسران را تحت اشغال خود درآوردند.

به دنبال پافشاری مردم سنج بر خواسته‌هایشان نخستین ۱۳ دی از سوی دولت اعلام شد که: "با خروج پاسداران سنج موافقت شد" و در برابر آن خواستار خلع سلاح افسران کرد شدند. خلق کرد که به حوی حیره کرده بود که خلع سلاح عی سکس و سرکوب، با این پیشنهاد به شدت سرانجام، تحصن عظیم مردم سنج پس از ۲۹ روز پایداری روز سه شنبه ۹ بهمن همراه با یک راهپیمایی باشکوه از محل تحصن پایان یافت و در حاتم راهپیمایی با صدور قطعنامه ۵ ماده‌ای به ادامه مبارزه برای گرفتن حق خودمختاری خلق کرد و به رسمیت شناختن هیئت نمایندگی خلق کرد ناکید شد. خلق کرد با تحصن مقاومت و خدشه ناپذیر خود در استانداری و مسجد جامع سنج، عملاً تنگ‌نظری‌ها و دروغ‌پردازی‌های بانگ چمران، قطب‌زاده و صباغیان را برملا کرد و نوطه‌های آنان را در برابر خواست‌های برحق خلق کرد با شکست روبرو ساخت. هیئت نمایندگی خلق کرد بمناسبت پایان تحصن، در پیام خود به مردم سنج اظهار داشت: "شما نشان دادید که در عمل و نه با حرف، علیه امپریالیسم و ارتجاع و بر ضد هر نوع وابستگی هستید و فقط فرصت طلبان و کج‌اندیشان هستند که این مبارزه شما را برای ایجاد ایرانی آباد و آزاد از مبارزات توده‌های میلیونی مردم ایران جدا می‌دانند. ما ضمن این که همواره خواست برحق خود را مبنی بر خودمختاری کردستان مطرح می‌کنیم، هیچگاه خود را از ایران و ایرانی جدا ندانسته و همواره به عنوان بخشی از ایران باقی خواهیم ماند. تحصن مقاومت و تحمل‌صبرانه شما نشان داد که طالب جنگ نبوده و تمام تلاش خود را برای حل مسئله از راه مسالمت‌آمیز سیاسی به کار برده و خواهیم برد."

آنچه در سنج اتفاق افتاد و به تحصن ۲۹ روزه شهرت یافت نشانه‌ای از دلآوری و حقانیت خلق کرد در مبارزات حق‌طلبانه‌اش می‌باشد. مطالعه تحصن ۲۹ روزه مردم سنج بطور برجسته‌ای صلح‌طلبی خلق کرد را به اثبات می‌رساند و چهره دشمنان خلق‌های قهرمان میهن را آشکارتر می‌کند. پس از آن که بین خلق کرد و دولت قرارداد آتش‌بس بسته شد، خلق کرد با تشکیل و تأیید هیئت نمایندگی خود باردیگر آمادگی خود را برای حل مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه مشکلات منطقه نشان داد. لیکن در این میان عناصر برحک طلب و نوطه‌گر و

مطابق معمول همیشگی دستخانی که توسط برخی احزاب و محافل مرتجع وابسته به امپریالیسم بسیج می‌شوند، به میتینگ مجاهدین خلق در دانشگاه تهران که روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ماه برگزار شد حمله کردند که با مقاومت شجاعانه انتظامات میتینگ عده‌ای از مهاجمین دستگیر می‌شوند. در این میان ما موران مسلح کمیته‌ها مداخله می‌کنند اما به جای بازداشت بقیه مهاجمان و جلوگیری از فرار آنها با تیراندازی هوایی باعث می‌شوند که عناصر دستگیر

شده هم موفق به فرار شوند. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران این حمله‌های شبه‌فاشیستی باند‌های سیاه را که از جانب عوامل شناخته شده و رسوا سازمان داده می‌شوند، به‌شدت محکوم می‌کند و مسبب آن را مقامات و محافل سیاسی می‌شناسد که با تبلیغات دروغین و مسموم کننده علیه نیروهای مترقی بطور پنهان و آشکار به پشتیبانی و تقویت این باند‌های سیاه کمر بسته‌اند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ۱۱ بهمن ۵۸

حمله به میتینگ سازمان مجاهدین خلق ایران را محکوم می‌کنیم

محکوم می‌کنیم

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران این حمله‌های شبه‌فاشیستی باند‌های سیاه را که از جانب عوامل شناخته شده و رسوا سازمان داده می‌شوند، به‌شدت محکوم می‌کند و مسبب آن را مقامات و محافل سیاسی می‌شناسد که با تبلیغات دروغین و مسموم کننده علیه نیروهای مترقی بطور پنهان و آشکار به پشتیبانی و تقویت این باند‌های سیاه کمر بسته‌اند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ۱۱ بهمن ۵۸

بنابه اعتراف بازرگان:

شورای انقلاب ...

بقیه از صفحه ۱

معاویه کنید که به محض بازداشت میناچی، شوروی انقلاب با خشم و غیض به این کار اعتراض کرد. پیش از چند ساعت طول نکشید که دستور آزادی وی صادر شد اما وقتی سعادت ۴۸ ساعت در سفارت آمریکا شکنجه می‌شد شورای انقلاب دردل خود با مسرت خاطر از فعالیت کمیته سفارت قدردانی می‌کرد.

آری، قانون سرمایه‌داران یعنی قانونی که فقط از آنها حمایت می‌کند و هر حقی را از زحمتکشان و نیروهای انقلابی صایع می‌کند.

خلق کبیر ما امروز به خوبی می‌داند که شوروی انقلاب و بسیاری از کسانی که اینک پست‌های حساس حکومت را در اختیار دارند از ادامه افشاکاری‌ها به هراس افتاده‌اند. این را توده‌ها می‌دانند اما شاید بسیاری از مردم هنوز ندانند چرا آقای رئیس‌جمهور نیز با افشاکاری‌ها مخالفت می‌ورزد و از شورای انقلاب حمایت می‌کند.

خلق ما خواستار ادامه افشاکاری‌ها از صدا و سیما و جمهوری اسلامی است. خلق ما خواستار دستگیری و محاکمه همه هم‌دستان امپراتور، مساجی و امثال آنها است و آزادی این عناصر را قویاً محکوم می‌کند. افسای امریکائی با صد ادامه با...

خیانت‌های این دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا پی برده‌اند. اینک مردم ما می‌دانند چرا وقتی کمیته پشت سفارت آمریکا که زهیری آن سازمان "سپا" به عهد داشت، سعادت، محاهد خلق را دستگیر کرد، بازرگان و شرکا، و شورای انقلاب دستگیری سعادت را تأیید کردند. اما امروز به محض دستگیری امپراتور نظام‌ها و میناچی‌ها فوراً شورای انقلاب نشینان عکس‌العمل نشان می‌دهند و از آنان دفاع می‌کنند و بازرگان می‌گوید: "کار امپراتور اصلاً جاسوسی نبوده است"

این حرف ما ربه پیاد حرف طالقانی فقید می‌اندازد که درباره محمد رضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران که توسط کمیته مستقر در سفارت آمریکا بدون حکم بازداشت ربوده و اسیر شد گفت:

"کار سعادت اصلاً جاسوسی نبوده است". معاویه حرف بازرگان درباره امپراتور و حرف طالقانی فقید درباره سعادت به ساده‌ترین زبان به مردم نشان می‌دهد که طالقانی دوست چه کسانی بوده و بازرگان دوست چه کسانی است. آن روز که سعادت دزدیده شد هیچکس از این شورای انقلاب نشینان نبود که از حکم دادگاه و قانون و مقررات صحبت کند.



حرکت مردم تهران از مساجد بسوی لانه جاسوسی آمریکا

انجام نشد!

قرار بود به دعوت "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" روز دوشنبه یک "رژه عظیم" از مساجد تهران به سوی مرکز جاسوسی آمریکا برگزار شود. خیر این راهپیمایی در "ریج نامه" دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " که جمعه شب پخش شد. به اطلاع عموم رسید. تیترا بسیار درشت روزنامه جمهوری اسلامی روز یکشنبه هم به همین راهپیمایی اختصاص یافته بود. این روزنامه در این شماره پیش بینی می کند که "صدها هزار نفر در مراسم فمردا (دوشنبه ۱۵ بهمن) شرکت می کنند."

"دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در نامه ای که روز شنبه برای آیت الله خمینی می نویسد و متن آن در روزنامه آزادگان روز یکشنبه چاپ می شود، بر ادامه مبارزه برای تحویل گرفتن شاه "به طریق انقلابی" تاکید می کنند و از مردم باریگر دعوت می کنند که رژه عمومی روز دوشنبه ۱۵ بهمن را هرچه باشکوهتر برگزار کنند و با این کار پیکر "کاخ نشینان واشینگتن را به لـرزه" اندازند.

اما این رژه در تهران برگزار نمی شود. تنها جمعیتی حدود ۵۰۰ نفر دور سفارت جمع می شوند و "دانشجویان پیرو خط امام" مدتی برای آنها سرود می خوانند و فیلم و صدای این صحنه رقت بار همچون یک خبر بسیار مهم، در ابتدای اخبار ساعت ۸/۳۰ شب از شبکه سراسری تلویزیون پخش می شود و بیست و یک دقیقه وقت اخبار را می گیرد. فیلم سفارت و جلوی سفارت را نشان می دهد که خالی است و ۳۰-۴۰ نفر جوان تفنگ به دوش در برابر امپریالیسم آمریکا ایستاده اند و مردم را به حمایت می خوانند و در بیرون سفارت حدود ۵۰۰ نفر پیر و جوان و زن و مرد برای آنان هورا می کشند و آرزوی پیروزی از سوی دیگرشورای

انقلاب یا بهتر بگوئیم صاعیان و بنی صدر از یکی دو روز قبل مردم را به بهشت زهرا دعوت کرده اند تا آقای رئیس جمهور برای آنان حرف بزنند. دستگاه های تبلیغاتی به راه می افتد و مردم را به بهشت زهرا فرامی خوانند که "بنی صدر" برای آنان حرف بزند و مراسم جشن تولد پیامبر را در آنجا برگزار کنند. جمعیت که خیال می کند برنامه رژه منتهی شده، فکر می کند به جای رفتن به سوی سفارت برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی باید به بهشت زهرا برود.

دوربین تلویزیونی از یک هلی کوپتر که بالای بهشت زهرا می چرخد از صحنه فیلم برداری می کند و جریان مراسم را از شبکه سراسری پخش می کند و جمعیت را که به خیال مشارکت در "جنبش ضد امپریالیستی" به بهشت زهرا آمده است به رخ می کشد. خطابه "آقای رئیس جمهور" شروع می شود. ایشان مردم را دایم دعوت به سکوت می کنند که به آنها بگوید معنای شهید و شهادت چیست و در ده دوازده مورد یکایک تعبیرات خودش را از شهید برای مردم تعریف می کند.

در میان سخنان او نه نامی از امپریالیسم است نه سخنی از آمریکا، نه حرفی از ادامه مبارزه با "شیطان بزرگ". حرف های بی سروتهی که هیچکس از آن سردر نمی آورد توسط آقای بنی صدر به هم بافته و به خورد مردم داده می شود. جمعیت احساس می کند اشتباهی آمده است، می فهمد اینجا سفارت نیست و خبری هم از افشاگری از دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، از دشمنان خانگی خلق در میان نیست. مردم می بینند تنها سخنی از "فروماگانی که در اثر افشاکری ها چهره کربتهان برای ملت ما ظاهر شده است" در میان نیست بلکه برعکس همان فروماگانی که چهره کربتهان برای ملت

ما ظاهر شده است در رفت و آمد هستند و حول و حوش جایگاه می چرخند. جمعیت احساس می کند اینجا آنجائی نیست که فکر می کرد. به سخنان بی سروته بنی صدر بی توجه می شود و به کار خویش سرگرم می گردد و بنی صدر که این هوشیاری به تراجش خوش نیامده است پشت هر حمله مردم را کودکانه بازی می دهد که اگر ساکت باشند و شلوغ نکنند برایشان معنای شهید را تعریف خواهد کرد. دوربین روی چهره مردم می چرخد، مردمی که با یوزخندی برهنه نگاهی به بنی صدر می اندازند و به کار خویش مشغول می شوند.

در شهرستان ها وضع فرق می کرد

ولی در شهرستان های مختلف وضع فرق می کرد در همه جا راهپیمایی هایی صورت می گیرد که در همگی آنها آمریکا شدیداً مورد حمله قرار می گیرد. شعارهای شهرستان ها اکثر اوقات امپریالیستی بود و مطابق آنچه که دانشجویان توصیه کرده بودند جشن تولد پیامبر اسلام به عرصه دیگری برای مبارزه با آمریکا تبدیل شده بود.

تو گوئی هنوز سوی گرد مرگی که محافظان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم به پیکر "این پیروان خط امام" پاشیده اند هنوز بر دوردست ها اثر نکرده است. آری، امروز این گرد مرگ بانگ بلندگوی افشاکگری سفارت آمریکا را خاموش خواهد ساخت.

اما، هم امروز بانگ افشاکگری از حائی دیگر، از سوی دیگر، برطنین تـر و کوبنده تر، استوار تـر و پیگیرتر، از سوی فدائیان خلق در فضای شهرها ظنین افکنده است و هر لحظه که می گذرد بتوان ترازی پیش می رود تا ناقوس مرگ ابدی همان سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را به صدا درآورد. آری، این ناقوس را تنها ما انقلابیون کمونیست خواهیم نواخت.

افشای امریکائی باید ادامه یابد

شورای انقلاب،

دشمن "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام"

بعد از صدور اطلاعیه شماره ۸۲ "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" ما پیش بینی کردیم که طولی نخواهد کشید سیاستی که بر "شورای انقلاب" مسلط است به تحوکیه نوزانه ای در برابر نیروی مترقی و ضد امپریالیستی که تحت عنوان "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" شکل گرفته است، قرار گیرد. دلیل این امر هم آن است که افشاکری های این دانشجویان هم اکنون کاسه و کوزه لیبرال هائی را که سالها در نهان رژیم دیکتاتوری شاه به غارت زحمتکشان مشغول بودند، درهم ریخته و کک در بساطشان افکنده است.

تقریباً همه اعضای "شورای انقلاب" که فعلاً قدرت دولتی را در دست دارند کاملاً حساب شده و با دقت کامل سیاستی را پیش بردند که هر چه زودتر صدای این بلندگوی افشاکری و ضد امپریالیستی را خاموش سازند. رنج نامه "این دانشجویان نشان می دهد شورای انقلاب که دستگاه دولتی، دستگاه رادپو - تلویزیون و تقریباً همه دستگاه های دیگر را اختیار خود گرفته است با سیاستی "گام به گام" در راه برچیدن این بلندگو و حذف آن از حیات سیاسی جامعه پیش می رود. با اینکه توده های وسیع مردم یک صدا گفتند "افشای امریکائی باید ادامه یابد" اما شورای انقلاب، شورائی که خود را محصول انقلاب شکوهمند خلق های ایران و دستاورد خون هزاران شهیدی که در راه ایران حان ساختند، می داند، با کمال بی شرمی، آشکارا در برابر اراده میلیونها مردم زحمتکش ایران قرار می گیرد و می کوشد تا صدای این دانشجویان را خاموش سازد و نگذارد افشای امریکائی ادامه یابد.

کاردار سفارت آمریکا به دانشجویان تحویل نشد. چرا؟ افشای مدنی از رادپو - تلویزیون پخش نشد. چرا؟ اطراف دانشجویان به یکباره خالی شد. چرا؟

بنی صدر بازرگان، قطب زاده، بهشتی و رفسنجانی همه و همه طوری صحبت کردند که نشان می داد دیگر دارند "زبانی" حرف می زنند. منتهی از آنجا که در میان این همه حقه بازی و فریبکاری و دروغگوئی گردانندگان دستگاه دولتی مردم به این دانشجویان توجه پیدا کرده بودند، شورای انقلاب نشینان نمی توانستند صریح تر از این درباره دانشجویان صحبت کنند. امروز خیلی ماهرانه دیگر نمی گذارند در اطراف سفارت آن شور و حال گذشته به چشم آید "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" را تقریباً منزوی و تنها کرده اند. آنها "رنج نامه" می نویسند و درد خود را با مردم در میان می گذارند. دیگر کمتر کسی از "بالائی ها" از شورای انقلابی ها، از دستگاه دولتی به حرف آنان گوش می دهد. آنها روزنامه با مداد را صریحاً افشای می کنند اما تو گوئی تنها کارگران موسسه اطلاعات صدای این افشاکگری را می شنوند. بالائی ها با کمال وقاحت خود را به نشنیدن می زنند. تا حائی که بالاخره با فشار مردم و بالاکرتن قضیه، روزنامه فعلاً تعطیل می شود تا فردا تحت نام دیگری منتشر شود. آنها مدنی را افشا می کنند، آب از آب تکان نمی خورد، آنها در پاسخ فقط برای دانشجویان خط و نشان کشیده اند ولی دانشجویان هم در عمل تا امروز خواسته اند از پشتیبانی و همکاری وسیع و فعال نیروهای انقلابی و مترقی برخوردار باشند که ارزترین نمونه آن در اطلاعیه شماره ۸۲ به چشم می خورد.

آنها در اطلاعیه شماره ۸۲ خود را از پیشروترین و انقلابی ترین توده ها جدا ساختند و بدین وسیله به تحقق آرزوی ارتجاعی شورای انقلاب و سایر محافل لیبرالی که تضعیف و منفرد کردن بقیه در صفحه ۵

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

وزارت خارجه نمی تواند از فرار ۶ جاسوس امریکائی مطلع نباشد

شورای انقلاب " دانشجویان ... "

بقیه از صفحه ۴

و اخیرا هم در دروغی در مورد بازداشت شاه در پاناما، مردم میهن ما، ماهیت این شارلاتان سیاسی و مدافعان وی را به خوبی شناخت. نتایج انتخابات بهترین گواه قضاوت مردم است.

آری، قطب زاده مانند اکثریت مطلق اعضای شورای انقلاب امثال بهشتی ها، بازرگان ها و رفسنجانی ها چون همگی مدافع رژیم سرمایه داری هستند، محبورند مردم را فریب دهند تا بتوانند باز هم در قدرت باقی بمانند و راه را باز کنند تا طبقه سرمایه دار با شراکت شرکای امپریالیستش شیره جان کارگر را بکشد، مردم ما را غارت کنند و برثروت ها و سرمایه های خود اضافه کنند.

در سفارت می گذارد. ۷- وزارت خارجه هنوز هم نمی خواهد لیست و مشخصات ماموران سیاسی امریکا را در ایران انتشار دهد تا اگر کسی دیگری هم از آنها مخفی شده باشد بتواند به راحتی فرار کند.

اما... قطب زاده وزیر خارجه با وقاحت تمام اعلام کرده است که از فرار شش مامور سیاسی امریکا مطلع نبوده است و به دلایلی که شمردیم قطب زاده ها قطعاً از فرار شش جاسوس امریکائی و دیگر مامورانی که از جنگ خلق قهرمان ما گریخته اند مطلع بوده است.

حقه بازی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران تازگی ندارد، در وقایع گنبد، در واقعه ربودن فرزندان آیت الله طالقانی، در تحریک مردم ایران علیه خلق قهرمان کرد

بازرسی نماید. ۴- اسامی و مشخصات مامورانی که به هنگام تسخیر سفارت در آنجا نبوده و فراری شده بودند توسط وزارت خارجه انتشار نیافت تا مردم بدانند و برای بازگردانیدن آنها به سفارت اقدام کنند. ۵- وزارت خارجه حتی حاضر نشد کاردار سفارت را به دانشجویان پیرو خط امام تحویل دهد و در ارتباط با ادوارد کندی کوشیده است که به نحوی راه را برای آزادی گروگان ها باز کند.

۶- وزارت خارجه اسناد و مدارک لازم را برای رسیدگی به فعالیت های سفارت امریکا و سفارت خانه های ایران در خارجه در زمان شاه در اختیار دارد و نه آنها را انتشار می دهد و نه آنها را در اختیار دانشجویان مستقر

زیرا: ۱- لیست عکس و پرونده تمام ماموران سیاسی امریکا و دیگر کشورها در وزارت خارجه موجود است. ۲- وزارت خارجه می دانسته است که به هنگام تصرف سفارت کدام یک از ماموران سیاسی امریکا در سفارت بوده و دستگیر شده اند و کدامیک در آن ساعت در سفارت نبوده اند. ۳- با توجه به تعداد بسیار محدود ماموران سفارت خانه های کشورهای امپریالیستی در ایران، خروج آنها از فرودگاه های کشور کاملاً قابل کنترل بود. وزارت خارجه از روی مدارکی که در وزارت خارجه موجود بود، به خوبی می توانست یکایک اتباع خارجه را که قصد خروج از ایران را داشتند کنترل و

دانشجویان بود، عملاً کمک کردند. آنها به این ترتیب اطراف سفارت را از جوانان پرشوری که فقط برای گسترش مبارزه با امپریالیسم امریکا به آنجا روی آورده بودند خالی کردند. آنها خود را تنها کرده اند. آنها به این ترتیب به خاموش کردن صدای خود کمک کرده اند. زیرا آنها تحت تاثیر مرتجعین و محافظ وابسته به امپریالیسم و سرمایه داری به نیروهای صادق انقلابی پشت کردند. زیرا آنان با این که خود دیده اند، کمونیست ها پیگیرترین دشمن امپریالیسم هستند، با این که می دانند مردم به تجربه ایمن واقعیت را در ایران، ویتنام در شیلی، کوبا، فلسطین و دیگر جاها دیده اند و دریافته اند، حقیقت را طور دیگری به مردم می گویند و حتی در اطلاعیه شماره ۸۲ خود آن را وارونه جلوه می دهند. آری ایمن خطاها هم در دل سرد شدن توده ها تاثیر داشته است.

و اما ما چون ایمن دانشجویان و مبارزه آنها را مبارزه ضد امپریالیستی و به سود مردم ایران می شناسیم. علی رغم موضع گیری های غلط و انحرافی آنان در برابر کمونیست ها قاطعانه از ادامه افشاکاری های آنان و بطور کلی از مبارزه ضد امپریالیستی آنان پشتیبانی فعال می کنیم.

علیرغم درک نادرستی که این دانشجویان و بطور کلی همه پیروان واقعی "خط امام" از جنبه دوستان خود دارند و علی رغم این که آنها عموماً مارکسیست ها را در مبارزه ضد امپریالیستی متحد خود نمی دانند و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست را نمی پذیرند، چنانچه تجربه های اخیر نشان داده آنها با ایمن کار، خود را بیش از دیگران ضعیف کرده اند. با این همه تا آنجا که حرکتشان به سود مردم زحمتکش میهن ما تمام می شود، تا آنجا که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" مورد حمایت فعال انقلابیون کمونیست قرار دارند.

جلسات پنهانی بازرگان، مدنی...

بقیه از صفحه ۱

امپریالیستی - دمکراتیک خلق های میهن راه پیروزی برساند. تا بود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه داری پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق های ایمن مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکائی

خواستار دستگیری، محاکمه و محازات این عناصر و همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکائی ما، برای درهم شکستن جبهه سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، باریگر همه نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست را به همکاری و اتحاد با انقلابیون کمونیست دعوت می کنیم. تنها چنین همکاری و اتحادی است که می تواند مقاومت دشمن را درهم شکسته و جنبش ضد

در کردستان جلوگیری کنند. همانگونه که افشاکاری های سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" نشان داده است این محافل با امپریالیسم امریکا در ارتباطند و برای رسیدن به هدف های خود آماده شده اند که هرچنانچه را علیه خلق های ستمدیده ایران مرتکب شوند. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همصدا با کارگران و زحمتکش میهن

بگذارند تا از این راه مردم را فریب داده و دنبال خود بکشانند. از سوی دیگر مصطفی چمران، قطب زاده و فرماندهان جنایتکار ارتش که با عناصر مرتجع و فئودال های کردستان در تماس دائم هستند، اخیراً جلساتی تشکیل داده و تصمیم گرفته اند به هر قیمتی شده از استقرار صلح عادلانه

چرا بازرگان و شرکاء را دستگیر و محاکمه نمی کنند؟

ندارند تنها به اعتبار آن که "منتخب امام" بوده اند هنوز در اس کارها باقی مانده اند. مردم اینک از آیت الله خمینی می خواهند حالاکه خیانت های این محافل و دستجات آشکار شده است ایشان صراحتاً بردستگیری و محازات آنها تاکید کند.

اکنون که دوستی بازرگان و شرکاء با دشمن اصلی خلق ما یعنی امریکا کاملاً افشا شده است پس چرا بازرگان هنوز عضو شورای انقلاب است؟ چرا او را دستگیر نمی کنند؟ چرا شرکای بازرگان هنوز در رأس حساس ترین ارگان های حکومتی هستند؟

قیامی که او و یارانش پیش از همه بدان دشمنی ورزیده اند. اسناد افشا شده به روشنی نشان می داد که چگونه این عناصر، دست در دست روحانیون میانه رو در ماه های پیش از قیام برای منحرف ساختن و به شکست کشاندن مبارزات خونین خلق ما، با امپریالیسم امریکا همکاری می کرده اند.

بسیاری از این عناصر پس از آن همه خیانت به مردم ایران، هنوز هم برپست های حساس حکومت تکیه دارند. این عناصر که همیشه علیه مردم میهن ما با امپریالیسم امریکا هم دست بوده و هیچ پایگاهی در میان بوده ها

امریکا به کمک عمال خود چگونه پست های حساس کنونی را در اختیار دارد، به هوش آورد. هنوز مهره های اصلی کابینه بازرگان در رأس حساس ترین ارگان های حکومت هستند. مصطفی چمران، کسی که در ماه های گذشته بیش از همه علیه خلق های ایران خیانت کرده است، هنوز وزیر دفاع است و فرماندهان جنایتکار سابق ارتش اکنون نیز برپست های فرماندهی ارتش را در اختیار دارند. بازرگان هنوز در شورای انقلاب است و صباغیان هنوز در صحنه سیاسی به یکه تازی مشغول است و مسئول برگزاری جشن های قیام خونین خلق های ما است

افشاکاری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" در تاریخ سه شنبه ۱۶ بهمن گوشه دیگری از روابط دوستان و جاسوسان امریکا را برای مردم آشکار ساخت. ناصر میناچی که از مهره های برجسته باند بازرگان و شرکاء است، برای امپریالیسم امریکا جاسوسی می کرده است. افشای میناچی دلیل دیگری است بر خیانت های کسانی که پس از مبارزات خونین خلق های میهن ما به قدرت خریدند تا منافع امپریالیسم امریکائی و سرمایه داری وابسته به آن را حفظ کنند. افشای میناچی می تواند کسانی را که هنوز باور نکرده اند که امپریالیسم

کارگران صنایع فولاد اهواز ؛

قاطع و پولادین علیه امپریالیسم (قسمت دوم)

در "کار" ۴۴ ما نشان دادیم که چگونه شرکت های پیمانکاری نظیر فاسترویلر-تهران جنوب ماهیست امپریالیستی دارند و هیئت مدیره آنها، این شرکت ها را در جهت منافع امپریالیسم هدایت می کنند. نشان دادیم که چگونه عده های از مسئولین دولتی نظیر اکبر طالقانی که خواهان لغو اینگونه قراردادها می باشند، در عین حال از مبارزه قاطع کارگران درهراس به سر می برند. اکنون می خواهیم نشان دهیم که کارگران این دوشرکت چگونه به شیوه خویش قاطع و پیگیر با امپریالیسم مبارزه می کنند. دو هفته اعتصاب کارگران، (از ۲۱ آذر تا یکشنبه ۲ دی) برای گرفتن اضافه حقوق عقب افتاده و لغو قرارداد امپریالیستی فاسترویلر-تهران جنوب، نتوانست مسئولین دولتی را به اقدام در جهت انجام این خواسته ها وادار کند. کارگران به ناچار در تاریخ سه شنبه ۲۵ دی ماه ۵۸ گرد آمدند. آنها ضمن افشای سرمایه داران معروفی چون رضوی و محکوم کردن بی توجهی مسئولین، تصمیم گرفتند که فردای آن روز راهپیمائی کرده و خود راسا

مبارزه با طبقه سرمایه دار ایران، مبارزه با امپریالیسم را پیش ببریم. از یاد نبریم که در این مبارزه دشمن اصلی امریکاست و برای از پا در آوردن آن باید نظام سرمایه داری وابسته را در ایران براندازیم. کارگران یکی پس از دیگری از درون جمعیت بیرون آمدند و

"ما شین سازی" و "فاسترویلر-تهران جنوب" به نفع کارگران ۳- رسمی شدن کلیه کارگران شرکت های مانا، ماشین سازی و فاسترویلر-تهران جنوب ۴- ایجاد شرکت ملی پروژهای ۵- پرداخت حقوق بیکاری برای کارگران بیکار و شاغل

«اعتصابی که ما به آن دست زده ایم، معنایش مبارزه عملی با امپریالیسم و وابستگان داخلی آن است. ما در برحق بودن این مبارزه کوچکترین شکی نداریم و تا پیروزی کامل آن را ادامه می دهیم.»

سخنرانی می کردند. در پایان مراسم، کارگران با انضباطی آگاهانه بطور منظم به حرکت درآمدند. در پیشاپیش صف تابلویی که بر روی آن جمله "شرکت ملی پروژه های "ه چشم می خورد. حمل می شد. در میان صف کارگران پلاکاردهای "مرگ بر امریکا" و "ما کارگران مبارز و مسلمانی خواستار لغو قرارداد استعماری فاسترویلر-تهران جنوب هستیم" دیده می شد. کارگران با شعارهای:

"شرکت پیمانی ملی باید گردد" کارگر پیمانی رسمی باید گردد" "این قرارداد سنگین الغا باید گردد" سرمایه دار وابسته نابود باید گردد" پس از شنیدن سخنان چند تن از کارگران به سوی کارگرنیم حرکت می کنند. گروهی از کارگران به تابلوی شرکت فاسترویلر-تهران جنوب نزدیک می شوند و در میان طین "مرگ بر امریکا"، "مرگ بر امپریالیسم" آنرا برمی دارند و تابلوی "شرکت ملی پروژه های" را به حای آن نصب می کنند. کارگران در پایان اجتماع آن روز قطعنامه ای در ۶ ماده صادر کردند که رئوس آن چنین بود:

۱- لغو قرارداد های استعماری فاسترویلر-تهران جنوب و سایر پیمانکاری های صنایع فولاد ۲- ملی شدن سرمایه کلیه پیمانکاری های "مانا"،

کارگران روز شنبه ۲۹ دیماه مجددا اجتماع می کنند. آنها تصمیم قاطع گرفته بودند که تا ملی شدن قطعی شرکت سه مبارزه ادامه دهند. تجمع کارگران نسبت به گذشته از نظم بیشتری برخوردار بود. سخنرانی کارگران ساعتها به طول انجامید و با شعارهای ضد امپریالیستی به پایان رسید.

روز یکشنبه ۳۰ دی ماه ۵۸ ۴ روز از اعتصاب محمدا کارگران می گذشت. مسئولین دولتی سیاست سکوت را در پیش گرفته بودند. کارگران ضرورت اقدام قاطع تر را حس می کردند. برخی تخصص را مطرح می کردند. عده های دیگر می خواستند نماینده کارگران به قم رفته و خواستهای خود را به آیت الله خمینی در میان بگذارند. در این میان یکی از کارگران میکروفون را به دست گرفت و چنین گفت:

"دوستان کارگر، اعتصابی که ما به آن دست زده ایم، معنایش مبارزه عملی با امپریالیسم و وابستگان داخلی آن است. ما در برحق بودن این مبارزه کوچکترین شکی نداریم و تا پیروزی کامل آن را ادامه می دهیم. اما یکی از شرط های پیروزی ما، هتلهاری ماست. ما باید به کسانی که خودشان را به دروغ به ما می چسبانند، اجازه سوء استفاده ندهد و آنها را شدیداً افشاء کنیم." کارگران روز بعد را با بررسی نیازهای اعتصاب برای کسب پیروزی، آغاز کردند. ادامه دارد

یکی از کارگران: «ما باید اتحاد و تشکل خود را حفظ کنیم و از طریق مبارزه با طبقه سرمایه دار ایران، مبارزه با امپریالیسم را پیش ببریم.»

برای ملی کردن شرکت اقدام کنند. روز چهارشنبه ۲۶ دی ماه کارگران قسمت لورگنی با شعار "مرگ بر امپریالیسم" در حیاط گرد آمدند و یکی از کارگران چنین گفت: "دوستان کارگر! امروز سراسر میهن را مبارزه ضد امپریالیستی فراگرفته است. ما کارگران باید بدانیم که مبارزه با امپریالیسم نمی تواند جدا از مبارزه با عوامل داخلی آن صورت گیرد. ما باید متحد شویم. ما باید اتحاد و تشکل خود را حفظ کنیم و از طریق

پیام سازمان چریک های فدائی خلق ایران به

دهمین گردهمایی شوراهای روستائی ترکمن صحرا

همه جانبه برخیزند. ما اعتقاد داریم خلق قهرمان ترکمن و ارگان های انقلابی و مردمی آن تاکنون با هوشیاری انقلابی در کنار سایر خلق های تحت ستم ایران سهم مهمی در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دیکراتیک میهن ما داشته است.

سازمان چریک های فدائی خلق ایران، وظیفه خویش می داند که در عرصه مبارزات ضد امپریالیستی - دیکراتیک کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلق های سراسر ایران پیشاپیش و همگام با آنها بوده، تا رسالت انقلابی خویش را به انجام رساند.

درد بر شوراها و اتحادیه های روستایی ترکمن صحرا پیروزی مبارزات حق - طلبانه خلق قهرمان ترکمن برقرار باد اتحاد و یکپارچگی خلق های سراسر ایران مستحکم باد وحدت رزمندگان کارگران، دهقانان و زحمتکشان سراسر ایران سازمان چریک های فدائی خلق ایران بهمن ماه ۱۳۵۸

خلق مبارز ترکمن! دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا. دهمین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا، موقعیت بسیار مناسبی است که درود های دهقانان و زحمتکشان روستاهای ترکمن صحرا تقدیم داریم. پیروزی دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا در اتحاد شوراهای این ارگان های واقعی اعمال حاکمیت مردم و مصادره زمین های زمینداران بزرگ و غاصبین، و حرکت در جهت رهایی از فئودال و بندهای آنان، صفحهای درخشان در تاریخ مبارزات خلق ایران است. این پیروزی آن زمان به رهایی کامل دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و سراسر ایران خواهد انجامید که اتحادی رزمنده بین کارگران با دهقانان و زحمتکشان سراسر ایران برقرار گردد. آن زمان آزادی واقعی خلق ها و حق تعیین سرنوشت آنان واقعیت می یابد که طیفه کارگر رزمندگان ایران دست در دست دهقانان و زحمتکشان جهت محو کامل سلطه امپریالیسم و علیه استثمار و جور و ستم سرمایه داران و زمینداران بزرگ به مبارزه می

شورای مرکزی و شورای قسمتی کارخانه تراکتور سازی

با طرح سود ویژه شورای انقلاب مخالفت کردند

مرکزی رسید: ۱- با طرح شورای انقلاب در مورد سود ویژه مخالفت هستیم. ۲- سود ویژه بطور مساوی مابین کارکنان تقسیم شود. ۳- برای هر سال سابقه کار ۷۵۰ ریال محسوب شود. ۴- تا ۸ ساعت غیبت در ماه عیلمی کسر نشده ولی برای بیشتر از آن از حق سود ویژه کسر شود. ۵- افرادی که در حین انجام کار صدمه دیده اند و یا در اثر تصادفات نقص عضو پیدا کرده اند، مدت استراحت و مرخصی بدون حقوق آنها امتیاز منفی حساب شود. نقل از راه سرخ

در تاریخ ۲۴ دی ماه ۵۸ جلسه شوراهای قسمتی و شورای مرکزی تراکتور سازی بنا به دعوت شورای مرکزی برای تصمیم گیری در مورد " طرح سود ویژه" شورای انقلاب تشکیل شد. در جلسه مزبور طرح سود ویژه مورد بحث نمایندگان قرار گرفت و اعضای شورا که طرح سود ویژه آریا مهری را که اینک شورای انقلاب مهر تأیید بر آن زده است علیه منافع کارگران تشخیص داده بودند، مخالفت شدید خود را با این طرح اعلام داشتند. بالاخره پس از تبادل نظر نمایندگان، طرح پرداخت سود ویژه به صورت زیر به تصویب اعضای شوراهای قسمتی و

گزارشی از روستای خوجه لُر (ترکمن صحرا)

* یکی از روستائیان:

"اگر ما بار دیگر از هم جدا شویم،

آنوقت چگونه می‌توانیم در مقابل زمین‌داران توطئه‌گر مقاومت کنیم."

خوجه لُر، یکی از مستعبدترین و مبارزترین روستاهای ماسست، روستائیان زحمتکش خوجه لُر سالهاست که در مقابل زورگویی‌های زمین‌داران غاصب و دولت حامی آنان سرسختانه ایستاده‌اند آنها با همه محرومیت‌ها و شکنجه‌ها و حتی شهادت‌ها هرگز شکست را قبول نکردند.

غاصبین زمین‌های خوجه لُر اکثر از درباریان و امرای ارتش صد خلقی بودند که با اعمال نفوذ و استفاده از سرنیزه زاندارم‌ری و شکنجه‌کاری‌های ساواک، زمین‌های روستا را به تصاحب نموده و روستائیان را به فقر و گرسنگی گشاده بود. از جمله: سروان هنرور نماینده نام‌الاختیار شاهپور غلامرضا زمیندار معور، سرلشکر انصاری، سروان منعم و ناخداگان خوجه لُر با توطئه‌های خود در سال گذشته اهالی خوجه لُر را تشکیل شورای روستایی اقدام به بازپس گرفتن زمینها نموده و با کشت شوری یا به قول خوجه لُری‌ها "زمین‌های انقلابی" زمینه لازم را برای اتحاد و شکل بیشتر زحمتکشان در اطراف شورا، فراهم نمودند.

اخیرا دروغ‌ها و اهالی روستا، "ناجی ملائی" (کدخدای سابق ده) و برادرش "آراز دردی ملائی" فصد کار شکنی و اخلاص‌گری در کار شورا داشته با پیش کشیدن بهانه‌های غیر منطقی از شورا خواستند که ۱۶ هکتار از "زمین‌های انقلابی" در اختیارشان گذاشته شود که بطور جداگانه و انفرادی کشت کنند. شورای روستا و اهالی چون می‌دانستند که این اقدام تضعیف شورا و وحدت زحمتکشان را در پی دارد و اختلافات زیادی را دامن خواهد زد و زمینه را برای توطئه زمین‌داران بزرگ، مناسب می‌کند، مقاومت کرده با مراجع به ستاد و درخواست اعزام نماینده‌ای از ستاد به روستا، اقدام به حل مشکل کردند.

نماینده ستاد با اعضای شورا و اهالی روستا در جمعی به بحث و گفتگو نشستند و مضرات کشت انفرادی و فوائد کشت شوری را یادآور شده و گفتند که هرگونه اقدام نسنجیده‌ای

برگزاری دهمین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا

* اتحاد کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان است که سلطه سرمایه‌داران و زمین‌داران و دیگر دشمنان مردم و انقلاب را درهم خواهد کوبید.

مسئولیت‌های شوراها سخن گفت و مشکلات روستائیان و شوراها را برشمرد. او که سخنان خود را با مثل زیبای



ترکمنی "تخم‌گیز مونگله‌سین" یعنی بذر هاتان هزار هزار، آغاز کرده بود، گفت: "ستاد جدا از شما نیست، کار ستاد کار شماست و در تمام دنیا این اعتقاد وجود دارد که یکی دو تن نمی‌توانند کارهای مردم را انجام دهند و این خود توده‌های مردم هستند که با تشکل در نهادها و تشکیلات خود مشکل‌ترین گره‌ها را می‌کشایند."

در این هنگام سخنران دیگری پشت تریبون قرار گرفت و به عنوان عضو اتحادیه سراسری و اتحادیه "فازقلی" گزارشی از ملاقات اخیر نمایندگان شوراها و اتحادیه سراسری با "نورمفیدی" نماینده آیت‌الله خمینی، ارائه داد. در این هنگام پیام کارگران کارخانجات گنبد خوانده شد در قسمتی از پیام خطاب به

دهمین گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا به منظور تحکیم وحدت و همبستگی خلق ترکمن با سایر خلقهای ایران و تصمیم‌گیری پیرامون مسائل ارضی و انتقال تجربیات مسائل کشت، ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۲ بهمن ۵۸ در سالن جوانان پیشگام گنبد با حضور جمع کثیری از دهقانان عضو شوراهای ترکمن صحرا برگزار شد برنامه با اعلام سکوت به مناسبت گرامیداشت پیاد شهدای ۲۰ بهمن ۵۷ که در جریان آن ۶ تن از فرزندان دلیر گنبد توسط چماق‌داران رژیم شاه منور شهید شدند، آغاز شد و سپس یکی از اعضای اتحادیه سراسری روستائیان ترکمن صحرا و عضو اتحادیه بی‌بی‌شیروان در مورد تشکیلات شوراها، اتحادیه‌ها و اتحادیه سراسری و لزوم تحکیم آن صحبت کرد و گفت:

"این راه توده‌های مردم است که بر سرمایه‌داران و زمین‌داران و حامیان آنها اراده خود را اعمال کنند. وسیله این اعمال قدرت و اراده توده‌های، شوراهای واقعی است. این است که دشمنان این تشکیلات یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران و حامیان آنها با آن به مخالفت برمی‌خیزند."

سخنران بعدی در مورد سیاست‌های جاری مملکت و انتخابات ریاست جمهوری و وضعیت مبارزه دهقانان و کارگران در انقلاب صحبت کرد یکی دیگر از اعضای شوراهای ترکمن صحرا در مورد وظایف و

توضیح به زحمتکشان ایل بختیاری

با نام این جنایتکاران بشناسیم، این دژخیمان خود به فتوای‌ها و خان‌های بختیاری منسوب می‌شوند نه ایل بختیاری. در مورد بسیج ایل متذکر می‌شویم که ارتجاع و سرکوبگران پیوسته اسلحه را از دست توده‌ها گرفته و به دست مهربانان خود که همانا خان‌ها و فتوای‌ها و غیره هستند، می‌دهد تا زحمتکشان را سرکوب کنند.

اگر امروزه مدنی و مدنی‌های خوزستان افراد ایل بختیاری

در ضمیمه کار شماره ۴۱ صفحه ۱ آمده است: "سید احمد مدنی اخیرا با بسیج مسلحانه ایل بختیاری (ایل تیمور و شاپور بختیاری) تعرض نوینی را آغاز کرده است. بر هیچ کس پوشیده نیست که تیمور و شاپور خائن چون اسلافشان از خون همین زحمتکشان بختیاری تغذیه می‌کرده و این چنین پروار می‌شدند. وجود این خائنین دال بر آن نیست که ایل بختیاری را مترادف

زمین ار آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

.. ای رزمنده ای که خانه دردل مردم داری ..

تو فکر تو بودم! دیدیها!
چین و چروکهای صورتش به
لرزه درآمد. مثل اینک
لبخند می زد. "دخترها"
دلنگ و خوشحال بودند.
مسافری رادوست داشتند.
مدیر را دوست داشتند.
دلشان میخواست اسم مدیر را
بدانند. دلشان میخواست
اسم همه را بدانند. . . .

وفتی مسافری سوار
اتوبوس شدند، پیرزن بغل
شیشه نشست. همیشه دلش
میخواست بغل شیشه بنشیند
دلش میخواست شهروییان را
تماشا کند. توفکر "دخترها"
بود که رفته بودند. توفکر
مدیر بود که حالا برای او
هدیه ای می برد. توفکر زری بود
که حالا مشغول دوشیدن گاوها
بود "اون باید با سواد بشه"
اتوبوس راه افتاد. از درب
بزرگ گاراژ گذشت و ایستادنا
بقیه مسافری سوار شوند.

پیرزن از توی پنجره
عابری را نگاه می کرد. به
نظرش همه شکل هم بودند.
مردها شکل هم، زنهای شکل هم.
به نظرش همه در حال دویدن
بودند. از اینکه خودش راحت
نشسته است، احساس آرامش
می کرد. یکباره چشمش به
"دخترها" افتاد که از آنطرف
خیابان به سمت اتوبوس
می دویدند. انگار به دلش
برات شده بود که دوباره آنها
را می بیند. گرمای محبتی
آشنا در تنش دوید. "دخترها"
رسیدند پای اتوبوس. او را
پیدا کردند. زدند به شیشه.
پیرزن نتوانست پنجره را باز
کند. پسرک ریزاندام پنجره را
باز کرد. "دخترها" بسته ای را
به پیرزن دادند. بسته بزرگی
نیود. دورش کاغذ سفید
پیچیده شده بود. "دخترها"
یکمدا گفتند:

"سلام مارا به مدیر برسون"
پیرزن گفت:
"روی چشم، بش بگم کی
اینارو فرستاده؟"
اتوبوس راه افتاد. جواب
"دخترها" را نشنید. از توی
شیشه آنها را می دید که با هم
صحبت می کردند. حدس می زد
که درباره او صحبت می کنند.
پسرک ریزاندام نوشتن
سرخ رنگ روی بسته را برای
او خواند:
"شال و پیراهنی است.
هدیه هم زمان تو ای
رزمنده ای که خانه دردل
مردم داری!"

سروقتش. مت بچه های
خودم، هرچی تو سفره مون
باشه براش می برم."
پیرمرد گفت:
"بیست روزه سرما خورده
خوب نمیشه. بش گفتم برو
شهر درمون کن. گفت
بچه ها درشون عقب
می افته."
پیرزن گفت:

می کرد. فکرمی کرد:
"چیز سرشون میشه. ما که
سواد نداریم، کوریم، سواد
خوبه. وقتی رسیدم خونه
زری رو میفرستم مدرسه.
پیش آقای مدیر. آقای مدیر
چه آدم خوبی. چقدر
مهربونه. چقدر به بچه ها
چیز یاد میده. اون هم
روزنومه میخونه. روزنومه

مسافری بگری به حرف آمد:
"مرجع تقلید مانه!"
پیرزن حالتی جدی گرفت.
برگشت و منتظر جواب "دخترها"
ماند. دخترها نزدیک تر
شدند. اولی روزنامه را باز کرد
و رو بروی مسافری گرفت.
دومی گفت:
"شریعتمدار به شاه نامه
می نوشت."



"سرما به کتش بند نمیشه،
یکتا پیرهن توی ده میگرده
چیسه خالیه. برا خودش
لباس نمی خره. هرچی داره
میده کتاب برا بچه ها،
میده از همین روزنومه های
شما میخره."
پیرمرد گفت:
"بارون که اومده بود، سقف
اتاقش آب داد از سر همین
سرما خورد. توی سرمای
ده ما به لباس گرمی هم
نداره که بیوشه. چه دوره ای
چه دوره ای!"

پسر ریزاندامی که ظاهر را
می ترسید در حضور دیگران
حرف بزد، یواشکی به
"دخترها" نزدیک شد. یک
اسکناس کهنه به آنها داد.
"دوتا روزنومه میخوام
یکیش برا آقای مدیره.
بهمون گفت هروقت که
اومدیم شهر. براش
روزنومه بخریم."
"دختر" دوتا روزنامه به او
داد. اسکناس را هم پس داد.
چند نفر دیگر از مسافریین
هم روزنامه خواستند. پیرزن
هم یک روزنامه گرفت. به
"دخترها" گفت:
"با دس خودم میدمش به
مدیر، میگم: مادر دیدی که

اونم
پیرزن به اسم روزنامه خیره شد
که بزرگ و بارنگ سیاه بالای
صفحه نوشته شده بود. یادش
آمد که روزنامه مدیر هم
علامت را دارد. یکباره
پیرد توی حرف بقیه
"مدیر یاد تونه؟"
بیشتر مسافری که با پیرزن
هم محل بودند، به او نگاه
کردند.
"روزنومه مدیر یاد تونه؟"
روزنومه اونم همین علامت
رو داره

مسافرها به علامت نگاه
کردند. پیرمرد "کار" را از
دختر گرفت و از نزدیک نگاه
کرد. او هم یادش آمد که مدیر
همین روزنامه را می خواند.
پیرزن به "دخترها" گفت:
"مدیر مدرسه ده ما هم از
همین میخونه. آدم خیلی
خوبیه. مت پسر می مونه.
هفته پیش مهمون ما بود."
پیرزن سر حرفش باز شده بود.
بدون توجه به دیگران ادامه
داد:
"راسر اسی که چه حوونیه
کتش پاره بود. به زور گرفتم
و بادست خودم دوختمش
توی ده ما غریبه. به جون
شما هروقت بتونم میبرم

اولی گفت:
"او به ساواک هم نامه
می نوشت. برای شکست
انقلاب نقشه می کشید."
پیرمرد نمی دانست چه گوید.
مطمئن نبود که "دخترها"
درست می گویند. به بغیه نگاه
کرد. دلش میخواست کس
دیگری حرف بزند. اما بقیه به
او خیره شده بودند. پیرزن
همچنان "دخترها" را ورنانداز
می کرد. شاید آنها را با
دخترهای خودش مقایسه
می کرد. میخواست سراز کار
آنها درآورد. به نظرش آنها
کمی عجیب بودند.
پیرمرد گفت:
"حالا روزنومه تونو بخونین
بینیم چی میگه."
"دخترها" کنار مسافریین
نشستند. همه ساکت بودند.
یکی از "دخترها" روزنامه را
صاف گرفت و مشغول خواندن
شد. سکوت بود. سکوت
سنگین شد. پیچش شروع شد.
سکوت شکست. همه حم
می خوردند. همه به هم نگاه
می کردند. همه میخواستند که
"دختر" باز هم بخواند. همه
میخواستند که زود تر از پیرزن
اظهار نظر کنند. پیرزن
همچنان به "دخترها" نگاه

اولی گفت:
"افشای بزرگان . . ."
دومی گفت:
"شریعتمداری کیه و چی
می خواد؟"
پیرزی با کنکاوی به
"دخترها" خیره شده بود. به
پیرمرد بغل دستی گفت:
"چقدر زرنگ، چقدر
خوب حرف می زنی، چی
میگن؟"
پیرمرد جابجا شد، سعی کرد
خود را مطلع وانمود کند.
"تو تهرون همه سیاست
دارن، اینارو روزنومه می فروشن
حرف های سیاسی می زنی"
بغه مسافریین با دقت بیشتری
"دخترها" را ورنانداز کردند.
"روزنومه کار درباره دهفانا
مطلب داره. زمین مال کسبه
که روی اون کار می کنه."
دومی تکرار کرد:
"شریعتمدار رو بشناسید!"
پیرمرد با دقت گوش می داد.
سعی کرد اظهار نظری بکند.
"مگه کسی پیدا میشه آقا رو
نشاسه؟!"

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



★ فدائی شهید، رفیق سعید پایان

رفیق شهید سعید پایان ، از یاران دوران تحصیل رفیق شهید پویان در مشهد بود . علاوه بر پویان ، او با احمدزاده ها نیز آشنائی و رفت و آمد خانوادگی داشت .
در سال هائی که پویان و مسعود و مجید احمدزاده برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمده بودند ، سعید پایان نیز به تهران آمد ولی به حای ادامه تحصیل ، در شرکت اتوبوسرانی به کار مشغول شد . او چندین سال در مسیر خیابان جمهوری (شاه سابق) مشغول خط بود و همه رانندگان و کارکنان آن مسیر شیفته اخلاق مردمی و تواضع او بودند .
در تابستان ۱۳۵۰ تنها به جرم آشنائی های قبلی خود با پویان و احمدزاده ها در مشهد دستگیر شد . به علت هشیاری او و مقاومتش در مراحل بازجویی هیچ مدرک دیگری علیه او پیدا نشد . تنها مدرکی که به دست رژیم افتاد ، کتاب "خرمگس" بود که رفیق با مقاومت خود در بازجویی مدعی شد که آن را هم نخوانده است . با این همه صرف آشنائی با رفقای مانند پویان و احمدزاده ها و همخانه بودن با آنها کافی بود که او به دوران زندان محکوم شود . در زندان نیز اگرچه با رفقای مانند بهروز زارمغانی بسیار نزدیک بود و از طریق آنان آموزش می دید ، بهیذا به نحوی رفتار می کرد که کمتر کسی در میان زندانیان از قابلیت های فراوان او به عنوان یک مبارز سیاسی آگاه بود . رفقای زندانی او را عمدتاً به عنوان یک فرد متواضع و خونگرم و با نشاط که در ایام تحصیل دوست پویان بوده ، می شناختند و نه چیزی بیش از این . اما همه مجذوب خصوصیات اخلاقی او بودند و او به هر سلولی که قدم می گذاشت با شوخی های همیگی و رفتار خونسود نمی گذاشت خنده از لب کسی بیفتد . در سال ۱۳۵۲ از زندان آزاد شد و در سازمان برنامه به کار پرداخت . در شهریور ۵۳

★ فدائی شهید، رفیق کاووس رهگذر

رفیق کاووس اهل شهریار و دانشجو نوی فیزیک دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) بود . وی در دوران دانشجویی فعالیت چشمگیری در امور صنفی ، سیاسی دانشجویی داشت .
وی از بهمن ماه ۵۲ تا ۵۳ در ارتباط با یک محفل مطالعاتی در زندان به سربرد . پس از آزادی با کوله باری از تجربه راه مبارزه برای رهائی خلق را برگزید و به جنبش مسلحانه پیوست .
رفیق که به عللی موفق به تماس با چریکهای فدائی خلق نشده بود ، همراه با رفیق شهید سلیمان پیوسته حاجی محله ، و رفقای دیگر در صدد ایجاد یک گروه با مثنی مسلحانه برآمد . گروه آنها با تکیه بر رهنمودهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای بدست آوردن اسلحه دست به عمل مسلحانه زد و در ۱۳ مهرماه ۵۴ در امیرآباد موفق به مصادره اسلحه شد . در آبان ۵۴ دوبار بمبگذاری در مقر حزب رساخیر صورت گرفت . این گروه یکی از اولین گروه های هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود ؛ تحت عنوان گروه حزبی فعالیت می کرد . در دی ماه ۵۴ خانه تیمی بر اثر انفجار نابهنگام نازنجک در حین آزمایش ویران شد ولی رفقا تغییر مکان دادند و ضربهای از ساواک متوجه آنان نشد . در ۱۷ بهمن ۵۴ رفیق کاووس (که در نزد رفقا به عمو موسوم بود) در خانه یکی از دوستان سابق خود در یک درگیری نابرابر توسط دژخیمان ساواک به شهادت می رسد .

★ فدائی شهید، رفیق جعفر محتشمی

رفیق شهید جعفر محتشمی در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در تهران گذراند . در سال ۱۳۴۹ وارد دانشگاه صنعتی شد . در سال ۱۳۵۲ به دنبال فعالیت های سیاسی در دانشکده دستگیر شد . پس از آزادی در سال ۵۳ به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست . در ۶ بهمن ۵۴ در تبریز خانه او و رفقای فاطمه افسدر نیا ، مسعود پرورش و مجید پیرزاده جهرمی به محاصره کامل دشمن درآمد و به گفته اهالی محل چندین مسلسل سنگین در اطراف پایگاه نصب شد . در ساعت ۵/۳۰ با مداد دشمن با یلندگو به رفقا اخطار می کند که بدون مقاومت تسلیم شوند ولی رفقا کوهواره آماده مقابله با حوادث احتمالی و درگیری با دشمن بودند ، بلافاصله پاسخ اخطارهای دشمن را با پرتاب نارنجک به مواضع آنها می دهند . به دنبال این حمله شلیک گلوله و پرتاب گاز

★ رفیق عبدالمجید پیرزاده جهرمی

رفیق شهید عبدالمجید پیرزاده جهرمی در سال ۱۳۲۳ بدنیآ آمد . او در آبادان اقامت داشت و در همانجا تحصیلات خود را در دبستان و دبیرستان رازی به پایان رساند . در سال ۱۳۵۱ در دانشگاه صنعتی تهران در رشته مهندسی شیمی به تحصیل پرداخت . او که باتنی چند از رفقای مبارز به حقانیت

★ فدائی شهید، رفیق مصطفی دقیق همدانی

رفیق شهید مصطفی دقیق همدانی در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری در شهر اصفهان به دنیا آمد . پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه در اصفهان ، در سال ۱۳۴۹ در رشته برق دانشگاه صنعتی به تحصیل پرداخت . رفیق مصطفی در دانشگاه همراه با رفقای دیگر مسعود پرورش ، محمد رضا کامیابی و عبدالمجید پیرزاده جهرمی ، در فعالیت های سیاسی -

فدائیان شهید ، رفقا کیومرث سنجری و پیروزان بدالهی نیز در بهمن ماه به شهادت رسیده اند .
ما در شماره آینده یادنامه این دوشهید خلق را به چاپ می رسانیم .

خاطره این رفیق هرگز از یاد کسانی که او را می شناختند و از یاد خلق قهرمان ما نخواهد رفت .

برای فدائی شهید سعید پایان "پایان" خواب و خاموشی آغاز روشنائی بودی . می دانمت ، رفیق دلآور ! آری ، تو هم فدائی بودی .
* * *
گفتند :

دیدارت آواری از ستاره ولبخت بود گفتند :
هموارها از کلامت صدباغ مهربانی می رست اما کسی ندانست وقتی که واژه های وداعت را آن خون پاک پرشفتت می شست با تو چه کرد درد ؟ می بینمت به چشم دل ، اما آتشفشان ایمان در لحظه جدائی بودی آری ، تو هم فدائی بودی .
* * *
هرگز ندیده بودمت ، ای دوست در ذهنم از تو تصویری نیست مردی به رنگ مردم رودی به رنگ عشق صد چشمه آشنائی بودی در راه جستجوی رهائی آری ، تو هم فدائی بودی .

★ فدائی شهید، رفیق حمیدرضا هزارخانی

رفیق شهید حمیدرضا هزارخانی در سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد . در چهارده سالگی با رفقای دبیرستانی اش عبدالرضا کلانتریستانی و حسین فاطمی که هر دو بعدها شهید شدند ، شروع به مطالعه کرد و در سال ۵۲ در دانشکده علم و صنعت پذیرفته شد . از آغاز ورود به دانشکده در فعالیت های صنفی - سیاسی ، شرکت هست . در سال دوم دانشکده از تحصیل منصرف شد و به اجباری رفت امادر تابستان ۵۴ از سر بازجاسه گریخت . او به تهران آمد و از همراه به فعالیت مخفی در

گرامی باد خاطره همه شهیدای خلق

بقیماز معحه ۱۲

گرامی باد سالروز شهادت لومومبا

برای من گریه نکن، کشور من که اینقدر در رنج است...

لومومبا یکی از بزرگ‌ترین مبین پرستان کنگو بود. او انسان مبارزی بود که سراسر زندگی کوتاهش را با خاطر استقلال کنگو در نبرد با استعمارگران بلژیکی و مزدوران داخلی اش گذراند. سال‌های سال بود که سرمایه‌داران بلژیکی با در اختیار گرفتن معادن مس و طلای کنگو، با همدستی سران قبایل و با بهره‌کشی از نیروی کار ارزان مردم کنگو به اساشتن سرمایه‌های خود مشغول بودند. مردم کنگو در نتیجه بهره‌کشی و غارت انحصارات بلژیکی، در پایین‌ترین سطح فرهنگ و زندگی قرار داشتند. مالاریا، حذام، سل و بیماری خواب در آنجا بیداد می‌کرد. اغلب کودکان کنگویی بخاطر سوء تغذیه به سن هفت سالگی که می‌رسیدند، می‌مردند. پاتریس لومومبا از کودکی با چنین بی‌عدالتی‌هایی آشنا شده بود. او روز دوم ژوئیه ۱۹۲۵ در دهکده کاتاکو-کومب در یک خانواده فقیر به دنیا آمد. خانه آنها کلیه ای بود، پوشیده از گاه که یک راس الاغ و گاومیش در آن بیتوته می‌کرد.

تا وقتی که پادشاه می‌آید همیشه یک تکه پارچه شبیه به یک "لنگ" به کمرش می‌بست و به مدرسه می‌رفت. لومومبا می‌گوید:

"از همان دوران کودکی بطور مبهم اینطور استنباط کردم که سیاهان و سفید پوستان در فقر و بیچارگی اصلا به یکدیگر شباهتی ندارند."

مطالعه تاریخ کنگو و اطلاع از چگونگی مستعمره شدن کنگو توسط اروپائیان، او را سخت تحت تاثیر قرار می‌داد. وقتی در تاریخ می‌خواند که پیش از ۶۰۰ هزار هموطنانش در شهر "لیژ" به دست مزدوران لوئی شانزده در یک روز قتل عام شده‌اند، خون در چشمانش جمع می‌شد و از این همه سفاکی سی‌طاقت شده و فریاد می‌زد. پدرش دوست داشت او معلم شریعت شود اما او شغل پرتیزی را برگزید و به ادامه

تحصیل پرداخت و دانشنامه خود را در رشته حقوق دریافت کرد. در همان زمان سعی می‌کرد مردم را از وضع نکبت‌باری که در آن زندگی می‌کنند، آگاه سازد. از طریق روزنامه‌های علمی مقالاتی می‌نوشت و منتشر می‌کرد. بیکار در پاسخ کشیشانی که به او اعتراض می‌کردند که او مردم را به شورش دعوت می‌کند، نوشت:

"نوع دوستی شما در آئین مسیح چندش آوراست. آیا همانطوری که ادعا دارید، همه مردم در کنگو در برابری و مساوات زندگی می‌کنند؟"

پاتریس لومومبا که بیوسنه برای متشکل ساختن نیروهای ترقیخواه و انقلابی به منظور سازماندهی و رهبری مبارزات مردم کنگو در اندیشه تشکیل یک سازمان سیاسی بود. در روز دهم اکتبر ۱۹۵۸ موجودیت "جنبش ملی کنگو را اعلام داشت.

پاتریس لومومبا در آغاز تصور می‌کرد می‌تواند از طریق مسالمت‌آمیز استقلال کنگو را به دست آورد. اما در حین مبارزه و بخصوص در پایان زندگی اش بود که دانست سبکراه نابود ساختن سلطه امپریالیسم بلژیک از سرزمین کنگو و بنیاد نهادن یک کنگو آزاد و دمکراتیک، مبارزاتی بی‌امان و توده‌ای و قهرآمیز است. او در برابر جمعیت انبوهی در میدان بزرگ "کالامو" در لئو بولدویل، به مردم گفت:

"بلژیک نباید استقلال را که ما از طریق مسالمت‌آمیز و دوستانه خواستار آن هستیم بعنوان یک هدیه تلقی کند. استقلال حقیقی مسلم و مشروع ملی است که از آن محروم مانده‌است. هدف ما از تشکیل "جنبش ملی کنگو" این است که توده‌ها را به منظور مبارزه علیه رژیم استعماری و طرد سیستم استعمار استبداد از اسان، با هم متحد سازیم. در جواب اعتراض بعضی از اعضای جنبش که او را به آرامش دعوت می‌کردند، گفت: "شما حیا می‌کنید"

استقلال و آزادی را باید در یک سینی نقره و دودستی به شما تقدیم کنند این تصور باطلی است. برای نیل به استقلال و آزادی باید مبارزه کرد. من تصمیم دارم در این راه سرسختانه و با تمام قوا مبارزه کنم و حتی جان خود را فدا کنم."

وقتی در سال ۱۹۶۰ مردم کنگو توانستند استقلال کنگو را به دولت امپریالیستی و استعمارگر بلژیک تحمیل کنند، لومومبا به نمایندگی از طرف مردم کنگو در برابر "بوروتن" پادشاه بلژیک که منظر سیاسی‌گرایی از او بود، استاد و گفت:

"از امروز دیگر ما میمون شما نیستیم."

در همان هفته اول استقلال کنگو، دولت بلژیک به نام حمایت از جان بلژیکی‌های معیم کنگو، اما در حقیقت برای دحالت در امور کشور سرروئی به کنگو اعزام کرد. لومومبا نوشت:

"این چند نوع استقلالی است؟ مگر هنوز این دوران عرت به پایان نرسیده است!!"

دولت بلژیک با همکاری امپریالیسم آمریکا و فرانسه، دولت جدائی طلب و دست نشانده "کاتانگا" را تحت سرپرستی "موسی چومبه" تقویت کردند تا جبهه‌های علیه لومومبا بسازند. در این زمان بود که لومومبا تصمیم گرفت از طریق بسیج مسلحانه مردم کنگو، با امپریالیست‌ها و مزدورانش مبارزه کند.

سرمایه‌داران بلژیکی با حمایت مسقیم امپریالیسم آمریکا و سازمان ملل متحد، تلاش گسترده‌ای برای منحرف ساختن مسیر مبارزات مردم کنگو آغاز کردند.

سرانجام نخستین دولت مستقل کنگو که هوزده هفته از عمر آن نمی‌گذشت، سقوط کرد. اگرچه لومومبا شخصا قادر نشد که مردم کنگو را برای مبارزه‌ای تازه از نو سازمان دهد، ولی هرگز شکست مردم خود را نپذیرفت و در نهایت شهادت و فداکاری به مبارزه ادامه داد تا اینکه او و بارانش را

دستگیر کردند و به زندان بردند. سپس با کمک "سیا" طرح توطئه‌بی شرم‌ناهی را ریختند. او را از بازداشتگاه "হারدی" به "کاتانگا" بردند. بنا بر شهادت خلبان بلژیکی سه زندانی را با طناب بهم بسته بودند و نگهبانان این سه نفر را پیوسته کتک می‌زدند. در آنجا توسط "موسی چومبه" و دیگر مخالفینش با شکلی بسیار وحشیانه به قتل رسیدند. گرچه مزدوران موفق شدند لومومبا را از زمین ببرند، اما راه لومومبا ادامه پیدا کرد و طرفداران او توانستند بر قسمتی از سرزمین کنگو حاکمیت دمکراتیک مردم کنگو را برقرار سازند. و بدون تردید روزی همه سرزمین کنگو از زیر سلطه امپریالیسم رهایی خواهد یافت.

لومومبا از اردوگاه "هاردی" بود که آخرین نامه خود را نوشت. در این نامه خطاب به همسرش می‌نویسد:

"این نامه را می‌نویسم ولی نمی‌دانم به دست تو خواهد رسید؟ و یا هنگامی که آن را می‌خوانی من هنوز زنده باشم. در همه تلاش‌ها و کشمکش‌هایی که برای استقلال میهنمان می‌کنم، حتی یک لحظه در پیروزی نهائی این امر مقدس که من و همکارانم زندگانی را وقف آن کرده‌ایم، دچار تردید نشده‌ام، ولی آنچه را که ما برای میهنمان آرزو می‌کردیم، هیچگاه مسورد پسند بلژیکی‌های استعمار طلب و دوستان آنان نبود. ... اینان باعث شدند تا حقیقت پنهان بماند و بالنتیجه استقلال ما را ننگین سازند."

لومومبا نامه خود را با کلمات زیر پایان می‌دهد:

"همسر عزیزم، برای من گریه نکن، یقین دارم که کشور من که اینقدر در رنج است، راه دفاع از آزادی و استقلالش را فرا خواهد گرفت. زنده باد کنگو، زنده باد آفریقا."

پاتریس

نقل از راه سرخ

شیوه جدید ارجاع کار به کارگران، بیکار توسط سپاه پاسداران، میان دو آب

در تاریخ ۱۹ دی ماه ۵۸ عده‌ای از کارگران بیکار میان دو آب، جلو کارخانه قند میان دو آب اجتماع کرده و پاسداران برای انتخاب افراد به کار روبرو شدند.

پاسداران که با توافق قبلی با مسئولان کارخانه می‌خواستند اسامی کارگران بیکار مراجعه‌کننده را خودشان در دفتر ثبت کنند، با اعتراض کارگران روبرو شدند و در توجیه کار خود گفتند، ممکن است بین شما عده‌ای اخلاص است وجود داشته باشد که لازم است ما خودمان اسامی را بنویسیم، بعد به هرکس که کارت دادیم، بعدا برای "کار" به اینجا رجوع کند کارگران به این مسئله اعتراض کرده و می‌گویند: "باید به همه کار بدهید" و در حالیکه کارگران معترضانه وارد محوطه کارخانه می‌شدند، پاسداران شروع به تیراندازی هوایی می‌کنند و بعد شناسنامه همه کارگران را گرفته و رسیدگی به موضوع را به روز سه شنبه موکول می‌کنند.

روز سه شنبه ۲۱ دی ماه ۵۸ کارگران بیکار جلو مقر سپاه پاسداران جمع می‌شوند. مسئولین سپاه به کارگران می‌گویند:

"ما کیسه‌ای گذاشته‌ایم که درون آن ۸۰ کارت پیوچ و ۴۰ کارت پروچ دارد، شما باید کارت‌ها را از کیسه در آورید، به هرکس کارت پرسید، مشغول به کاری شود. و به این ترتیب از هزار نفر کارگر بیکاری که برای یافتن کار آمده بودند، فقط ۲۰ نفرشان با قرعه انتخاب می‌شوند، بقیه کارگران در حالیکه غرق در فکرتنبیه غذا، لیانس، سوخت و اجاره خانه و چگونگی گذران روز و بچه‌هایشان بودند، به خانه‌ها پشیمان برمی‌گردند.

در طول راه یکی از کارگران سکوت را می‌شکند و در حالیکه چهره‌اش را از عرت درهم می‌کشد، می‌گوید:

"نمی‌دانم چرا شانس مرا در کیسه کرده‌اند؟"

و کارگر دیگری می‌گوید: "من ۱۲ سال در این کارخانه کار کرده‌ام، حالا کیسه‌ای می‌آورند و می‌گویند شانس را امتحان کن!"

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیش‌تاز مبارزات ضد امپریالیستی-دموکراتیک خلقهای ایران

تیمسارهای جنایتکار ارتش در مساجد به منبر می روند

در مساجد به منبر می روند

اخیرا سرمایه داران لیبرال دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا برای دستیابی به نیروی توده های برنامه ای را طراحی کرده اند در این برنامه خوشبین ساختن توده های مردم به ارتش و امرای تیمسارانی که برای خدمت به امپریالیسم امریکا سوگند وفاداری خورده اند و نشان پادآور کشتار مردم ماست، حای خاصی دارد.

طبق برنامه امرای ارتش موظفند با استفاده از احساسات و اعتقادات پاک مذهبی مردم ما به مساجد رفته و با ایراد سخنرانی هایی حمایت آنها را به دست آورند. چمران، فلاحی، مدنی، طراحان اصلی این برنامه هستند. در زیر گزارش سخنرانی تیمسار فلاحی را که فرمانده کشتار مردم شیراز بود و

جمله گفت که تیمسار را بارها دیده است که از نیمه شب تا صبح به روی سجاده به گریه و زاری در پیشگاه خدا مشغول بوده است و در تمام طول روز نیز علیه ضد انقلابیون مبارزه می کرده است. او از جمله خدمات برجسته تیمسار راه اسلام، اخراج همه "بهائی ها" از ارتش هرفی کرد. پس از سخنرانی "جناب سرگرد" تیمسار فلاحی با سلام و صلوات در حالی که حلقه ای گل برگردن داشت، پشت تریبون قرار گرفت و نمایشی از "قدرت" و "معصومیت" خود و ارتش "شاهنشاهی" ارائه داد. تیمسار در سخنرانی خود درباره کردستان، شورا در ارتش، انقلابیون کمونیست و مسئله جامعه بی طبقه توحیدی صحبت کرد و درباره هریک چنین گفت:

"تیمسار" سپس درباره جامعه بی طبقه توحیدی گفت که طرفداران چنین جامعه ای مخالف حلقه و حکمت آفرینش هستند و مطابق با فلسفه اسلامی حلقه و حکمت باید سلسله مراتب و اختلاف وجود داشته باشد، "تیمسار" اضافه کرد مثلا در بدن انسان مغز حای والایی دارد ولی پاها ممکن است در لحن فروبروند و یا قلب که در تمام مدت شبانه روز کار می کند و حق اعتراض ندارد که چرا معده روزی ۹ ساعت کار می کند.

و بالاخره تیمسار در پایان سخنانش به کمونیست ها پرداخت و اظهار داشت که جنگ های زمان حاضر جنگ های سه بعدی و چهار بعدی است که بعد سوم و چهارم یعنی جنگ های روانی و عقیدتی که چینی ها به راه انداخته اند از همه خطرناک تر است و گرنه جنگ با ابرقدرت ها هیچ کاری ندارد و دشمنی با کمونیست ها را واجب تر از دشمنی با امپریالیسم امریکا به مردم قبولاند.

پس از پایان سخنرانی تیمسار، بخشی از جمعیت شعارهایی به طرفداری از او سردادند: مثلا: (فلاحی، فلاحی، خدانگهدار تو بمیرد، بمیرد، دشمن خونخوار تو...)

در حسینیه سهرابها در قزوین

تیمسار فلاحی در حالیکه حلقه گل به گردن داشت، پشت تریبون قرار گرفت و کینه توزانه علیه خلق کورد، شورا در ارتش، انقلابیون کمونیست و جامعه بی طبقه توحیدی سخن گفت

با ارتش امریکا در ویتنام همکاری داشت درج می کنیم. این سخنرانی چند هفته پیش در حسینیه سهرابی ها، واقع در میدان کلانتری ایراد شد پاد آوری می کنیم که تیمسار فلاحی در حال حاضر فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی است.

پیش از شروع سخنرانی تیمسار، سرگردی پشت تریبون آمد و در حدود نیم ساعت در مدح و ثنای تیمسار سخن گفت. در این پیشدرآمد "جناب سرگرد" نامی توانست از اعتقادات و احساسات مذهبی مردم بهره برداری می کرد. مثلا تیمسار فلاحی را با "قمر بنی هاشم" مقایسه می کرد و درجه تقوی و پرهیزگاری تیمسار را با فلان پیشوای مذهبی یکسانی دانست و می گفت چه شبها شاهد عبادت تیمسار بوده که تا صبح ادامه می یافت. "سرگرد" در توصیف تقوای تیمسار از

پاسخ به يك رفیق

رفیق شهرام، ۹۱۹- نامه تان را دریافت داشتیم. این اعتقاد شما که با داشتن ارتباط سازمانی کارآئی بیشتری خواهید داشت، کاملاً درست است. ما کمونیست ها اعتقاد به کار متشکل داریم، آنچه که می کنید در حقیقت مقدمه ای برای کار تشکیلاتی آینده شماست. تا برقراری ارتباط سازمانی، کارهایی را که تا کنون انجام می دادید. همچنان دنبال کنید و کوشش کنید با ایجاد هسته های متشکلی که با رفقای دیگر تشکیل می دهید، کار و فعالیت انقلابی خود را از حالت انفرادی بیرون آورید.

پیروز باشید

کمکهای مالی دریافت شده

حزب	جمع کد و کمکهای	حزب	جمع کد و کمکهای	حزب	جمع کد و کمکهای	حزب	جمع کد و کمکهای	حزب	جمع کد و کمکهای	حزب	جمع کد و کمکهای
نام	به ریال	نام	به ریال	نام	به ریال	نام	به ریال	نام	به ریال	نام	به ریال
ح	۱۰۰۷	ح	۶۷۲۹	ح	۶۲۸	ح	۱۰۲۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۳۱۹۷	ع	۵۵۲۹	ع	۱۲۵۵	ع	۱۰۰۶۶	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۲۲۵۶	ر	۱۵۸۶۰	ر	۱۲۳۲	ر	۱۵۸۶۰	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۳۰۱۶۲	س	۱۵۸۲۵	س	۱۰۹۹۹	س	۱۵۸۲۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۵۰۰۰	ش	۱۲۵۷	ش	۸۱۲۳	ش	۱۲۵۷	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۲۰۱۲	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۹۱۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۱۰۱۳	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۱۸۳۳۲	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۱۱۲۰	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ط	۱۶۳۶	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۰۹۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۶۱۵۲	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۲۲۶۲	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۲۲۱۵	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۲۰۷	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۲۱۰۰	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۵۱۰۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۱۳۲	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۲۲۴۴	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۰۱۳۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۱۲۵۵	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۱۲۲۰	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۵۱۲۲	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۱۰۶۲۲	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۱۹۱۰۲	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۱۲۲۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۲۵	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۷۵۰۱	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۱۰۰	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۲۰۹۸	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۲۲۴۴	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۲۲۱۵	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۲۰۷	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۲۱۰۰	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۵۱۰۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۱۳۲	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۲۲۴۴	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۰۱۳۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۱۲۵۵	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۱۲۲۰	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۵۱۲۲	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۱۰۶۲۲	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۱۹۱۰۲	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۱۲۲۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۲۵	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۷۵۰۱	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۱۰۰	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۲۰۹۸	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۲۲۴۴	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۲۲۱۵	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۲۰۷	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۲۱۰۰	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۵۱۰۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۱۳۲	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۲۲۴۴	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۰۱۳۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۱۲۵۵	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۱۲۲۰	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۵۱۲۲	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۱۰۶۲۲	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۱۹۱۰۲	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۱۲۲۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۲۵	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۷۵۰۱	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۱۰۰	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۲۰۹۸	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۲۲۴۴	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۲۲۱۵	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۲۰۷	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۲۱۰۰	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۵۱۰۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۱۳۲	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۲۲۴۴	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۰۱۳۸	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۱۲۵۵	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۱۲۲۰	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۵۱۲۲	ح	۲۲۱۵	ح	۵۱۹۲	ح	۲۲۱۵	ح	۱۲۳۶	ح	۱۲۳۶
ع	۱۰۶۲۲	ع	۲۲۱۵	ع	۵۱۹۲	ع	۲۲۱۵	ع	۱۲۳۶	ع	۱۲۳۶
ر	۱۹۱۰۲	ر	۲۲۱۵	ر	۵۱۹۲	ر	۲۲۱۵	ر	۱۲۳۶	ر	۱۲۳۶
س	۱۲۲۱	س	۲۲۱۵	س	۵۱۹۲	س	۲۲۱۵	س	۱۲۳۶	س	۱۲۳۶
ش	۱۰۲۵	ش	۲۲۱۵	ش	۵۱۹۲	ش	۲۲۱۵	ش	۱۲۳۶	ش	۱۲۳۶
ط	۷۵۰۱	ط	۲۲۱۵	ط	۵۱۹۲	ط	۲۲۱۵	ط	۱۲۳۶	ط	۱۲۳۶
ث	۲۱۰۰	ث	۲۲۱۵	ث	۵۱۹۲	ث	۲۲۱۵	ث	۱۲۳۶	ث	۱۲۳۶
ج	۲۰۹۸	ج	۲۲۱۵	ج	۵۱۹۲	ج	۲۲۱۵	ج	۱۲۳۶	ج	۱۲۳۶
چ	۲۲۴۴	چ	۲۲۱۵	چ	۵۱۹۲	چ	۲۲۱۵	چ	۱۲۳۶	چ	۱۲۳۶
ح	۲۲۱۵	ح									

گرامی باد خاطره رفقای شهید

گرامی باد یاد رفقای شهید مسعود پرورش، ابراهیم پوررضائی خلیق، سعید پایان، کاووس رهگذر، حمید هزارخانی، جعفر محتشمی، عبدالمجید پیرزاده جهرمی، مصطفی دقیق همدانی



فدائی شهید رفیق
مصطفی دقیق همدانی



فدائی شهید رفیق
جعفر محتشمی



فدائی شهید رفیق ابراهیم
پوررضائی خلیق



فدائی شهید، رفیق مسعود پرورش

رفیق شهید مسعود پرورش، در سال ۱۳۲۲ در شهرستان قزوین به دنیا آمد و تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند. رفیق مسعود در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه صنعتی شد و در شمار فعال ترین دانشجویان در امور صنعتی دانشگاه بود. وی در ارتباط با رفیق معصومحالی و کامیابی و پیرزاده جهرمی به



فدائی شهید، رفیق ابراهیم پوررضائی خلیق

رفیق شهید ابراهیم پوررضائی خلیق در سال ۱۳۲۲ در یک خانواده متوسط در تبریز متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در این شهر به پایان رساند و در سال

۱۳۴۵ در دانشگاه صنعتی ایران پیوست و پس از یک دوره کوتاه زندگی محلی در تاریخ ۶ بهمن ۵۴ در کنار رفقای همدرس جعفر محتشمی، پیرزاده جهرمی و فاطمه قدری به شهادت رسید.

بقیه در صفحه ۹

گرامی باد سالروز شهادت لومومبا

” برای من گریه نکن

کشور من که اینقدر در رنج است

راه دفاع از استقلال

و آزادی را

فرا خواهد گرفت ”



نورده سال پیش در روز هفدهم ژانویه ۱۹۶۱، مامورین برج مراقبت الیزابت ویسل، پیامی از لئوپولد ویل بدین شرح دریافت داشتند. ” یک بسته مهم و با ارزش در راه دارید. ” در حیمان، کاردهایشان را تیز کردند و در کمین شکار نشستند. بسته ای که می بایست در فرودگاه تحویل داده شود، پانرس لومومبا و بارانش بودند.

بقیه در صفحه ۱۰



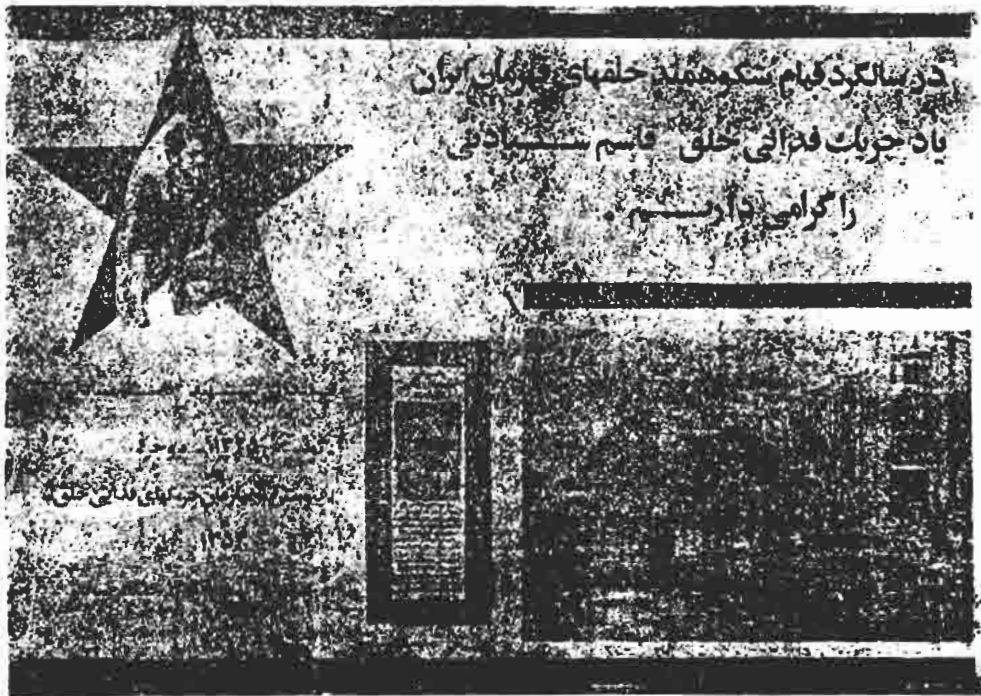
صحنه ای از مراسم بزرگداشت فدائیان شهید مسعود پرورش کاسجی، حاج شعبیهها، پشامی در قزوین.

با شرکت فعال در انتخابات مجلس صفوف خلق را تقویت و پیبرالها را افساء و طرد کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، ضمن محکوم ساختن همه تلاشهای پنهان و آشکاری که برای جلوگیری از انتخاب انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست صورت می گیرد، شرکت خود را در انتخابات مجلس شورا اعلام می دارد. ما همه نیروهای ترقیخواه و ضدامپریالیست را به همکاری و هماهنگی فعالیت های انتخاباتی دعوت می کنیم. اینگونه همکاری ها زمینه اتحاد نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را تحکیم می بخشد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۶ بهمن ۵۸



بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست